

Research Paper

Qualitative Study of the Typology of Group Conformity and Its Role in the Expansion of ISIS Group



*Nahid Zeini Hassnvand¹ , Karamollah Javanmard¹

1. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Zeini Hassnvand N, Javanmard K. (2020). [Qualitative Study of the Typology of Group Conformity and Its Role in the Expansion of ISIS Group (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 10(34), 180-207.



Received: 01 Dec 2018

Accepted: 19 May 2020

Available Online: 21 Sep 2020

Key words:

Grounded Theory (GT),
Information conformity,
Normative conformity,
ISIS group

ABSTRACT

The purpose of this study was to investigate the typology of group conformity and its role in development of the ISIS (Islamic State of Iraq and Syria) group using qualitative method based on the grounded theory. The study population consisted of all national and international resources including articles, lectures, news websites and reports, interviews, videos, etc. produced during 2014-2018 (4 years) about the ISIS group. For sampling, due to the qualitative nature of the research, 42 resources that meet the inclusion criteria were selected for qualitative analysis. Based on the findings of the research, membership in ISIS group can be explained by the interaction of external situational factors and interpersonal factors, under the influence of ruling context and interventional variables using different strategies, such as informational conformity type in the first step and the continued activity of ISIS members under the influence of normative conformity type. Increased tension in social relationships and interpersonal personality are among the consequences of membership and continued activity in the ISIS group.

* Corresponding Author:

Nahid Zeini Hassnvand, PhD.

Address: Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran.

E-mail: n.hasanvand@abru.ac.ir

مقاله پژوهشی

مطالعه کیفی سنخ‌شناسی هم‌نوایی گروهی و نقش آن در گسترش گروه داعش

*ناهید زینی حسنونند^۱، کرم‌الله جوانمرد^۲

۱. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره)، بروجرد، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی سنخ‌شناسی هم‌نوایی گروهی و نقش آن در گسترش گروه داعش، به روش کیفی در نظریه داده‌بنیاد انجام گرفته است. جامعه مورد مطالعه، کلیه منابع داخلی و خارجی اعم از مقاله‌ها، سخنرانی‌ها، سایت‌ها و گزارش‌های خبری، مصاحبه‌ها، فیلم و غیره بوده‌اند که در فاصله بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ (چهار سال)، در خصوص گروه داعش تولید شده‌اند. به منظور نمونه‌گیری به دلیل ماهیت کیفی تحقیق، ۴۲ منبع مستند که واجد استانداردهای لازم بودند به صورت هدفمند انتخاب و مورد تحلیل کیفی قرار گرفتند. بر اساس یافته‌های پژوهش عضویت در گروه داعش در اثر تعامل عوامل موقعیتی - بیرونی و عوامل درون‌فردی، تحت تأثیر بستر حاکم و متغیرهای مداخله‌ای با استفاده از راهبردهای مختلفی از جمله، هم‌نوایی گروهی در سنخ اطلاعاتی در گام نخست و ادامه فعالیت اعضای داعش تحت تأثیر راهبرد هم‌نوایی گروهی در سنخ هنجاری قابل تبیین است. افزایش تنش در روابط اجتماعی و همچنین در شخصیت درون‌فردی از جمله پیامدهای عضویت و ادامه فعالیت در گروه داعش بوده‌اند.

تاریخ دریافت: ۱۰ آذر ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش: ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۹

تاریخ انتشار: ۳۱ شهریور ۱۳۹۹

کلیدواژه‌ها:

گروه داعش، نظریه داده‌بنیاد، نفوذ اجتماعی، هم‌نوایی اطلاعاتی، هم‌نوایی هنجاری

* نویسنده مسئول:

دکتر ناهید زینی حسنونند

نشانی: بروجرد، دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره)، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.

پست الکترونیکی: n.hasanvand@abru.ac.ir

مقدمه

جهانی شدن مورد توجه قرار گرفته است. مطابق تعریف، هویت گروهی زمانی شکل می‌گیرد که افراد یک جامعه به درک مشترک دست پیدا می‌کنند و الگوهای رفتاری معینی را در پیش می‌گیرند؛ بنابراین، شکل‌گیری هویت بنیادگرا همواره پاسخی به احساس تهدید در برابر هویت خود است.

گسترش کثرت‌گرایی و فروپاشی فرا روایت‌های کلان که ناشی از فهم در بستر جهانی شدن است، منجر به عکس‌العمل برخی دیدگاه‌های مذهبی می‌شود که کمتر قابلیت انعطاف یا سازگاری دارند. از این جهت گروه‌های بنیادگرای سنی‌مذهب یا سلفی‌ها که عمدتاً بر مبنای معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی بر ظاهرگرایی و سلف صالح باور دارند در برابر این کثرت، مقاومت می‌کنند و آن را به عنوان تهدید و جنگ مذهبی (جهاد) می‌پندارند. از این جهت اقدام به مقابله و رادیکال شدن می‌کنند که در قالب تئوری‌های رخ می‌نماید.

در گروهی به نام داعش، رهبرانی دیده می‌شوند که اکثرشان حاضرند تا پای جان از تفکر افراطی و تندروی خود دفاع کنند، و حتی یکی از ابزارهای نهایی مبارزه را عملیات انتحاری معرفی می‌کنند. همچنین اعضای این گروه از ظرفیت رسانه‌های نوظهور الکترونیکی نیز غافل نیستند و به سرعت تفکر و روش عجیب و غریب خود را به سمع جوانانی در دنیا می‌رسانند که مدت‌هاست، در پس مدرنیته معمول به دنبال یک جنبش غیرمتعارف جهانی می‌گردند.

این جوانان که در گم‌گشتگی هویت دست و پا می‌زنند و تکنولوژی موجود قادر به حل معماهای پر از چالش آن‌ها نبوده است (طبق وعده‌های داده‌شده از طرف رهبران داعش)، رؤیاهای ابراز وجود خود را در فعالیت در گروه داعش می‌بینند. در اینجا شاهد

بیش از هزار سال است که اسلام آن گونه که امروز شاهد آن هستیم، از سوی گروه‌های به‌ظاهر مسلمان در معرض هجوم از پیش تعیین‌شده قرار نگرفته بود. ایجاد تفرقه بین مسلمین و تکفیر آن‌ها، جهل و ناآشنایی با تعالیم اسلام از علل گرایش بعضی افراد به اندیشه‌های انحرافی و گروه‌های تکفیری است. رواج تکفیر در جامعه، فتنه‌ای است که نزد قاطبه مسلمانان منفور بوده است (دبیرخانه کنگره جهانی مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری، ۱۳۹۵).

سکونت اهل سنت در ۱۵ استان کشور (اغلب هم‌مرز با کشورهای عراق، ترکیه، افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، آذربایجان و کشورهای حوزه خلیج فارس)، سهولت ترددات مرزی، اشتراکات قومی و مذهبی با کشورهای یادشده، تبلیغات گسترده جریان وهابیت و دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی و سیاه‌نمایی از وضعیت اهل سنت ایران با استفاده از فضای مجازی، شبکه‌های ماهواره‌ای و از طریق تربیون‌های مساجد و حوزه‌های علوم دینی در مناطق سنی‌نشین و تأثیرپذیری جامعه اهل سنت از این جریان و تحولات منطقه، در داخل کشور موضوع مواجهه با جریان‌های تکفیری و داعش در غرب و جنوب و شرق کشور و حتی بروز برخی عملیات‌های تروریستی از جمله در مجلس شورای اسلامی و رژه نیروهای مسلح در اهواز، ضرورت بررسی و مطالعه جریان‌های تکفیری و داعش را از منظر حوزه‌های مختلف علوم انسانی دو چندان می‌کند (ملک صیدآبادی، ۱۳۹۴).

از نظر موسوی (۱۳۹۷)، تکفیر و خشونت مذهبی در اندیشه این جریان، زمینه نقد علمی و مواجهه فرهنگی با آن را فراهم می‌کند. شکل‌گیری هویت اجتماعی داعش از مباحث مهم است که در کانون

بشری همچون امکان تجزیه اتم به جای خدمت به بشر می‌تواند سر از ساختن بمب برآورد. در راستای علت‌شناسی پدیده داعش رهیافت‌های متعددی وجود دارد، نگاه تک‌عاملی و یک‌جانبه‌نگری، روایی و اعتبار لازم را در حوزه شناخت‌شناسی این پدیده ندارد. دیدگاه‌های تک‌جانبه‌ای یا متمرکز بر مجموعه علت‌های بیرونی است و یا مجموعه علت‌های درونی؛ در نظر نگرفتن رویکرد تعاملی می‌تواند در شناخت این پدیده و دیگر پدیده‌های اجتماعی آسیب‌زا باشد.

داعش به عنوان یک هویت اجتماعی دچار نوعی بحران هویت شده و نمود آن به صورت گروه تروریستی ظهور کرده است. فارغ از این به دلیل سرخوردگی اجتماعی از نظام سرمایه‌داری و تقلیل هویت انسان در بستر آموزه‌های مدرنیته عده زیادی در نقاط مختلف جهان به داعش پیوسته و در برابر دولت‌های غربی و منطقه‌ای قرار گرفتند. زمینه‌های این وضعیت را می‌توان در بحران هویت اجتماعی ایجادشده ناشی از برداشت‌های اقتصادی و تقلیل انسان ارزیابی کرد (Kfir, 2015).

از منظر علم روان‌شناسی اجتماعی شکل‌گیری هویت اجتماعی غالباً در سایه هم‌نوایی گروهی انجام می‌شود. هم‌نوایی گروهی را تغییر در رفتارها یا باورهای فرد در نتیجه فشار غیرمستقیم افراد گروه یا جامعه و یا تغییر در رفتار و عقاید شخص در نتیجه اعمال فشار واقعی یا خیالی از طرف فرد یا گروهی دیگر از مردم تعریف کرده‌اند (آرونسون، ۱۳۸۳).

علی‌رغم تلاش‌های پژوهشی‌ای که با توجه به منابع موجود در مورد تبیین پدیده داعش انجام شده است، درباره نقش هم‌نوایی گروهی در شکل‌گیری و گسترش داعش، تاکنون مقاله و یا کتابی به صورت اختصاصی نگاشته نشده بود، یا حداقل پژوهشگران تحقیق حاضر

شکل‌گیری یک هیپنوتیزم جمعی هستیم که تحت القانات بی‌وقفه افراط‌گرایی در ذهن و روان جوان بی‌نام و نشانی اتفاق می‌افتد که با سپری کردن زندگی معمولی خود، به شکل فعلی آن هیچ افتخاری نیندوخته است؛ نه دین کارکرد درستی در جامعه به‌ظاهر دینی‌اش برایش به ارمغان آورده است که بتواند با کمک آن حق را از باطل تشخیص دهد و نه آن‌قدر به علم و تکنولوژی و اراده قوی مجهز است که گول وعده‌های پوچ رهبران داعش و سایر گروه‌های تکفیری و سلفی را نخورد، شخصیتش به گونه‌ای ساخته و پرداخته نشده است که از الگوهای رفتاری انسان‌های مستقل و صاحبان اراده آزاد بهره‌مند باشد.

بررسی کلی مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده در مورد پدیده داعش بیانگر تنوع دیدگاه‌ها در مورد علل و عوامل ایجاد آن است. یکی از متغیرهای مورد توافق در اکثر پژوهش‌ها در علت گسترش سریع این پدیده، وجود رسانه‌های جمعی جدید و شبکه‌های اجتماعی است. افراد ناچارند با پیشرفت فناوری در سطح جهانی هماهنگ شوند. به طور کلی نمی‌توان منکر قابلیت‌ها و مزایای فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی شد و این محصول و درواقع آخرین دستاورد تحول صنعتی در موارد بسیاری برنامه ترقی و تعالی زندگی اجتماعی را سرعت بخشیده و سبب بهبود مناسبات مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره به‌ویژه در حوزه تبادل اخبار و آگاهی‌های عمومی شده است، اما در عین حال استفاده‌های نامطلوب از آن بی‌شمار بوده و نگرانی کارشناسان حوزه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، حقوق، علوم سیاسی، ادیان و مذاهب و غیره را به دنبال داشته است.

یکی از دستاوردهای خطرناک آن تسهیل در روند ایجاد و گسترش گروه داعش بوده است که پیامدهای آن جهان را در بهت فرو برد که چطور یک سازه

خودزاد برمی‌گردد. اما آنچه توجه روان‌شناسان اجتماعی و عامه مردم را به این پدیده بیش از پیش معطوف کرد، پژوهشی بود که آش^۵ (۱۹۵۹) انجام داد. در آزمایش‌های آش، بیش از ۷۶ درصد شرکت‌کنندگان، دست‌کم در یک مورد با جمع هم‌نوا شدند (زمانی، افضل‌راد و امامی‌لنگرودی، ۱۳۷۰، به نقل از عابدی و همکاران، ۱۳۹۱).

هم‌نوايي با ديگران در دو سطح اتفاق می‌افتد: اگر فرد فقط در رفتار آشکار یا ظاهري (مثل پوشش، هماهنگی‌های کلامی و الگوهای رفتاری در ابعاد مختلف) به علل متفاوت، خود را با دیگران هم‌نوا کند، می‌گوییم هم‌نوايي گروهی در سطح رفتار اتفاق افتاده است. این پذیرش که در سطح رفتار آشکار فرد ایجاد می‌شود، با عنوان پذیرش بیرونی (عمومی) شناخته می‌شود، اما اگر در هم‌نوايي گروهی با دیگران، تغییری ایجاد شود که باورها و افکار فرد گسترش پیدا کند، آن‌گاه می‌توان از آن به عنوان تغییر در باورها یاد کرد که از آن با عنوان هم‌نوايي یا پذیرش درونی (خصوصی) نام برده می‌شود (لطفی، ۱۳۷۳) (Takano & Sogon, 2008).

دانشمند دیگری به نام گوردون^۶، طی یک سری آزمایش به این نتیجه رسیده است که افراد، غالباً در ملأ عام، عقاید خصوصی خودشان را تغییر می‌دهند. این حالت وقتی بیشتر است که تصور کنند حاضران، دیدگاهی مخالف آن‌ها دارند. تحقیقات گوردون، حاکی از آن است که افراد، نوعاً در حضور جمع کوشش می‌کنند تا بین عقیده خود و عقیده گروه، به سازشی دست پیدا کنند. همچنین اگر پذیرش در گروه برای شخص خیلی مهم باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که از عقیده خود بگذرد و عقیده جمع را

با آن مواجه نشوند؛ بنابراین به همین دلیل در این مقاله تلاش شده است با توجه به تحلیل متون در دسترس به مطالعه کیفی سنخ‌شناسی هم‌نوايي گروهی و نقش آن در گسترش گروه داعش پرداخته شود.

۱. ادبیات موضوع

۱-۱. چارچوب مفهومی هم‌نوايي گروهی

در مبحث ارتباطات انسانی از منظر روان‌شناسی اجتماعی، یکی از موضوعات مهمی که بسیار بدان پرداخته شده، مفهوم نفوذ اجتماعی^۱ است. هم‌نوايي گروهی^۲ یکی از انواع نفوذ اجتماعی است. منظور از نفوذ اجتماعی آن است که دیگران می‌کوشند به شیوه‌های مختلف ما را وادارند به دلخواه آنان فکر، احساس و رفتار کنیم؛ متقابلاً ما نیز درصدد تأثیرگذاری بر افکار، احساسات و رفتار آنان برمی‌آییم سیالدینی و گلدشتاین^۳ (Cialdini & Goldstein, 2004) به نقل از عابدی، عریضی، لعلی، و اسماعیلی، ۱۳۹۱).

هم‌نوايي کردن با گروه، یکی از جنبه‌های جالب «رفتار اجتماعی» است. انسان‌ها، خواسته یا ناخواسته، از گروه‌های مختلف پیروی می‌کنند و ارزش‌های آن‌ها را قبول می‌کنند. این گروه‌ها می‌توانند شامل گروه خانواده، همسالان، ورزشکاران، هنرپیشه‌ها و یا حتی دسته‌های اوباش باشند. از سوی دیگر، جوامع و گروه‌ها نیز سعی می‌کنند افراد را هم‌رنگ خود کنند (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۸۱).

زمان آغاز مطالعات تجربی در زمینه این پدیده به دهه ۱۹۳۰ با مطالعات مظفر شریف^۴ بر روی حرکت

1. Social influence
2. Conformity
3. Cialdini & Goldstein
4. Muzaffar Sharif

5. Asch
6. Gordon

بپذیرد (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۸۱). در مجموع دو دسته از عوامل مؤثر بر ایجاد هم‌نوایی گروهی عبارت‌اند از میزان اعمال فشار گروه برای ایجاد هم‌نوایی و ویژگی‌های شخصیتی فرد که چقدر در مقابل این اعمال فشار بیرونی تاب‌آوری دارد و یا توان مقاومت خود را از دست داده و تن به پذیرش فشار بیرونی می‌دهد.

۲-۱. ویژگی‌های شخصیتی مؤثر در افزایش میزان هم‌نوایی

از مجموع ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با هم‌نوایی گروهی، درباره عزت نفس، سرسختی روان‌شناختی و جایگاه مهار، بیشتر مطالعه شده است. نتایج پژوهش‌های محققان نشان داد افراد دارای عزت نفس بالا، کمتر با دیگران هم‌نوایی گروهی می‌کنند. آوارو و کرانو^۷ (Alvaro & Crano, 1996)، باهلر و گریفین^۸ (Buehler & Griffin, 1994) و جیتن، هارنسن و اداروس-یورنو^۹ (Jetten, Hornsey & Adarves-Yor, 2006) به رابطه عزت نفس آزمودنی‌ها با هم‌نوایی گروهی اشاره کرده‌اند. یافته‌های پژوهشی آنان حاکی از آن است که افرادی که عزت نفس کمتری دارند، خیلی بیشتر به فشار گروه تن درمی‌دهند تا کسانی که عزت نفس بیشتری دارند (Baron & Byrne, 2004; Cialdini & Goldstein, 2004; Reysen, 2005; Brown & Schaefer, 2010).

یافته‌های پژوهشی بوندو اسمیت^{۱۰} (Bond & Wright, 1996)، رایت، سلف و جاستیس^{۱۱} (Self & Justice, 2000)، کال گر، رنو و سیالدینی^{۱۲}

(Kallgren, Reno & Cialdini, 2000)، سیالدینی و گلدشتاین (۲۰۰۴) و ولچ، تیتل، یانکوسکی، میدینجر و گراسمیک^{۱۳} (Welch, Tittle, Yonkoski, Meidinger, Grasmick, 2008) به رابطه بین جایگاه مهار آزمودنی‌ها و هم‌نوایی گروهی اشاره کرده‌اند. آن‌ها در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که میزان هم‌نوایی گروهی در افراد دارای جایگاه مهار بیرونی، بیشتر از افراد دارای جایگاه مهار درونی است.

در تحقیق جیتن و همکاران (۲۰۰۶)، تحت عنوان «چه هنگام افراد گروه تحت تأثیر هم‌رنگی قرار می‌گیرند» بیان شده است عواملی مانند نامطلوب بودن شرایط اقتصادی - اجتماعی، عزت نفس و اعتماد به نفس پایین و موقعیت ابراز نظر در این راستا مؤثرند؛ به این صورت که مثلاً دانش‌آموزان مقاطع پایین (راهنمایی) در حضور جمع بیشتر از دانش‌آموزان مقاطع بالاتر (دبیرستان) هم‌نوایی دارند (به نقل از عابدی و همکاران، ۱۳۹۱).

در تعدادی از پژوهش‌های مربوط به هم‌نوایی، آثار ویژگی‌های شخصیتی بر میزان نفوذپذیری افراد، مورد ارزیابی واقع شده است. یکی از متغیرهای مهم در این میان «نیاز به تأیید اجتماعی» است. کسانی که نیاز شدید به تأیید اجتماعی دارند، بیشتر رفتاری را انجام می‌دهند که تصور می‌کنند دیگران از آن‌ها انتظار دارند. کسانی که نیاز کمتری به تأیید اجتماعی دارند، احساس استقلال بیشتری می‌کنند و نسبت به قضاوت گروه درباره خود، کمتر نگران‌اند و بالتبع در تصمیم‌گیری‌ها بر ارزش‌ها و ترجیح‌های خود متکی‌اند. جورج هرمانتر^{۱۴} نیز اشاره می‌کند که «مقام فردی» در پایگاه اجتماعی گروه، تأثیر زیادی بر میزان هم‌نوایی دارد.

13. Welch, Tittle, Yonkoski, Meidinger & Grasmick
14. George Hermatter

7. Alvaro & Crano
8. Buehler & Griffin
9. Jetten, Hornsey & Adarves-Yorno
10. Bond & Smith
11. Wright, Self & Justice
12. Kallgren, Reno & Cialdini

جمع درست است و بر نظر آن‌ها ترجیح دارد، گفته می‌شود که هم‌نوایی اطلاعاتی صورت گرفته است.

شخص در این موقعیت‌ها صرفاً در جست‌وجوی راه‌حلی برای رفع تردید و عدم یقین خود است. وقتی ما با موقعیت مبهمی روبه‌رو می‌شویم، آمادگی زیادی پیدا می‌کنیم تا با اطلاعات رسیده در آن زمینه، هم‌نوایی کنیم. در این موارد، می‌توانیم تبعیت را محصول کوشش شخص برای حل مسائل و رسیدن به نتایجی در مورد محیط و اوضاع و احوال اطراف خویش بدانیم. هرچند این نوع از هم‌نوایی نیز از خطا مصون نیست، اما تنها راه ممکن برای ارائه پاسخ مطلوب در چنین موقعیت‌هایی است.

به علت محدودبودن دانش بشری، ما ناگزیر از مراجعه به دیگران هستیم. استفاده از دانش و تجربه دیگران، نه تنها مثبت است، بلکه لازمه زندگی انسانی است. کسب دانش و تجربه در تمام زمینه‌ها، محال، بلکه غیرضروری است. گنجینه تجارب انسان‌ها در اختیار ماست. افرادی که از کرنش در برابر دانایان سر باز می‌زنند، بر جهل و حماقت خویش صحنه می‌گذارند. منتهی در استفاده از این علوم و تجارب، باید جوانب امر را در نظر گرفت (کریمی، ۱۳۹۳).

هم‌نوایی هنجاری هنگامی است که فرد به دلیل پیامدهای ناشی از عدم هم‌نوایی، هم‌نوایی کند؛ یعنی به این دلیل که دیگران او را تنبیه نکنند و یا پاداشی را از او دریغ نکنند، هم‌نوایی می‌کند. در هم‌نوایی هنجاری فرد از درستی کار یا نظر خود آگاه است، ولی برای اینکه مخالف جمع تلقی نشود نظر خود را نادیده گرفته و مصداق بارز این ضرب‌المثل فارسی می‌شود: «خواهی نشوی رسوا، هر رنگ جماعت شو» (خالدی، ۱۳۹۳). دسته‌ای دیگر از افراد در مقابل خواسته‌ها و الزامات اجتماعی و گروهی نه فقط هم‌نوا

فردی که دارای پایگاه اجتماعی بالایی است، چندان تمایلی به پیروی از نظر جمع ندارد؛ اما افراد دارای پایگاه متوسط، اهمیت بیشتری به هم‌نوایی با گروه می‌دهند؛ چون احتمال می‌دهند در صورتی که نظر جمع را نپذیرند، طرد شوند. این صرف نظر کردن از خواسته‌ها، معمولاً باعث می‌شود که بخشی عمده‌ای از استعدادهای ما ناشکفته باقی بماند و عملاً در مسیری حرکت کنیم که صرفاً به خاطر مقبولیت نزد دیگران، آن را انتخاب کرده‌ایم؛ مسیری که لزوماً با اهداف شخصی ما هماهنگ نیست و در نهایت، کسانی که اطمینان بیشتری به عقیده خود دارند، بیشتر احتمال دارد عقیده‌ای را ابراز کنند که مخالف عقاید گروه باشد (به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۸۱).

۱-۳-۳. سنخ‌شناسی افراد در مواجهه با فشار گروهی

در مقابل نفوذ و فشار گروه برای واداشتن افراد به هم‌نوایی، ممکن است به سه شکل مختلف پاسخ داده شود:

۱-۳-۱. هم‌نوایی یا همرنگی

والترز و کارول^{۱۵}، نشان دادند که آزمایش‌شوندگان دارای اضطراب شدیدتر، بیشتر احتمال تبعیت از گروه را دارند تا سایرین. به تجربه شخصی نیز دریافته‌ایم وقتی مضطربیم، تمایل چندانی به مخالفت با دیگران در قبال آنچه می‌پسندیم، نداریم. مطالعات محققان نشان می‌دهد که انسان‌ها به دو دلیل متفاوت، هم‌نوایی می‌کنند؛ یعنی به عبارت دیگر، ما دو نوع هم‌نوایی داریم: «هم‌نوایی اطلاعاتی»^{۱۶} و «هم‌نوایی هنجاری»^{۱۷}. وقتی مردم به این دلیل هم‌نوایی می‌کنند که فکر می‌کنند نظر

15. Walters and Carol

16. Informational group conformity

17. Normative group conformity

نیستند که از خود ناهم‌نوایی نشان می‌دهند، که در ادامه به طور خلاصه به آن پرداخته می‌شود.

۱-۳-۲. ناهم‌نوایی

وقتی که فرد رفتارش را بدون در نظر گرفتن هنجارهای گروه انجام دهد ناهم‌نوایی کرده است. انواع رفتارهای غیرهم‌نوا را تحت دو عنوان کلی، استقلال رأی و ناهم‌نوایی می‌توان تقسیم کرد. کراچفیلد^{۱۸} در بررسی گروهی از افراد نظامی، نشان داد آن‌هایی که استقلال رأی دارند، استعداد رهبری بیشتر، احساس حقارت کمتر، خودکنترلی بیشتر و نگرش‌های اقتدارطلبانه بیشتری دارند. در صورتی که افراد هم‌نوا، احساس وابستگی بیشتر، عزت نفس کمتر و خودسرزنی بیشتری دارند. برخی از منتقدان اجتماعی معتقدند پیچیدگی‌های جوامع کنونی میل به هم‌نوایی در انسان‌ها ایجاد کرده است.

از منظر دیگر، افراد به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: افراد خودراهبر و دگرراهبر. افراد خودراهبر^{۱۹} افرادی هستند که خودشان ارزش‌ها و هنجارهایشان را تعیین می‌کنند و افراد دگرراهبر^{۲۰} چشم به هدایت دیگران دارند. نوع اخیر یعنی دگرراهبر، مصداق افراد هم‌نواست که در جامعه کنونی رو به افزایش هستند (اوسالیوان، ساندرز، هارتلی و فیسک، ۱۳۸۵، به نقل از خالدی، ۱۳۹۳). در کنار رفتاری که مستقل از فشار گروهی است، اصطلاح «ناهم‌نوایی» یا «چند هم‌نوایی» برای پاسخ‌هایی به کار می‌رود که مخالف پاسخ‌های اکثریت در بیشتر موارد باشد.

یک فرد ناهم‌نوا یا ضدهم‌نوا، ممکن است همواره لباس‌هایی بپوشد که با هنجار گروهی مغایر باشد. در

جریان مطالعه روی علل عدم تسلیم بعضی از اسیران جنگی آمریکایی در بازجویی‌های چینی‌ها در جنگ کره، روان‌شناسان دو نوع افراد مقاومت‌کننده را مشخص کردند. بعضی از سربازان، بدین دلیل مقاومت کردند که معتقد بودند اعتراف به خطا و تقاضای بخشش، کاری نادرست است. این گروه از مردان را افرادی مستقل نامیدند. گروه دوم، کسانی بودند که تاریخچه‌ای طولانی از عدم پذیرش هر نوع دستور داشته‌اند و با هر دستوری مخالف بوده‌اند و در رسته خدمتی خود هم از دستور افسران سرپیچی می‌کرده‌اند، این گروه، نمایشگر افراد ناهم‌نوا بوده‌اند (کریبی، ۱۳۹۳).

۱-۳-۳. استقلال رأی

«استقلال رأی» رفتاری است که بدون توجه به باورهای عمومی و تنها با اتکا بر فهم و درک و احساس شخص به ظهور می‌رسد. فردی که لباس پوشیدن او تابع مد یا هنجارهای گروه نیست، فردی است مستقل؛ شخصی که «کار خودش را می‌کند». تصویری که از انسان‌های موفق در ذهن ماست، بیشتر با سبک رفتاری «افراد مستقل» هم‌خوانی دارد؛ یعنی کسانی که کمتر هم‌نوایی می‌کنند، بیشتر به فهم و درک و احساس خود از موقعیت‌ها اهمیت می‌دهند تا نظر دیگران. هرچند نظر دیگران را نیز می‌شنوند و به دانش خود می‌افزایند. وقتی در راستای اهدافشان تصمیمی می‌گیرند، دیگر برایشان مهم نیست که دیگران چه می‌اندیشند و چگونه عمل می‌کنند.

البته قطعاً چنین افرادی سلطه‌جو نیستند. تحقیقات دانشمندانی چون ماوسنر^{۲۱} نشان می‌دهد افرادی که در گذشته موفقیت‌های بیشتری را به دست آورده‌اند، بیشتر بر نظر خودشان متکی هستند و کمتر با جمع، هم‌نوایی نشان می‌دهند و

18. Krachfield

19. Inner- directed

20. Other- directed

21. Mussner

محسوب می‌شود، انجام گرفته است.

۲. روش‌شناسی پژوهش

غالباً در شناخت‌شناسی اجتماعی از «داده‌های طبیعی» استفاده می‌شود؛ از جمله نمونه داده‌های طبیعی می‌توان به پیاده کردن متن گفت‌وگوهای روزمره، متون رسانه‌ها و متون علمی اشاره کرد. مزیت این نوع داده‌ها این است که محقق تأثیری بر داده‌ها نمی‌گذارد و نوع داده‌های گردآوری‌شده این امکان را به محقق می‌دهد که تنوعات ذهنی را در چارچوب بسترهای اجتماعی گوناگون انجام دهد (پوتر و وترل، ۱۹۸۷، به نقل از اقبال، ۱۳۹۷)، جامعه مورد مطالعه تحقیق حاضر کلیه منابع داخلی و خارجی اعم از مقاله‌ها، سخنرانی‌ها، سایت‌ها و گزارش‌های خبری، مصاحبه‌ها، فیلم و غیره بوده‌اند که در فاصله بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ (چهار سال)، در خصوص گروه داعش تولید شده و مورد استفاده کاربران مختلف قرار گرفته‌اند.

به منظور نمونه‌گیری، به دلیل ماهیت کیفی تحقیق، محققان به صورت هدفمند و از پیش تعیین‌شده به سراغ منابعی رفته‌اند که مستند بوده‌اند و معیارهای استاندارد انجام پژوهش علمی (رعایت اصول تدوین و نگارش مبتنی بر منبع‌نویسی، تاریخ انجام و غیره، اعتبار سایت و مؤسسه پخش خبر، و غیره) را داشتند؛ زیرا تنها این قبیل منابع بودند که می‌توانستند اطلاعات لازم را برای تحلیل این موضوع در اختیار پژوهشگران قرار دهند. داده‌های این پژوهش با استفاده از مطالعات تاریخی و اسنادی مشتمل بر مقالات، پژوهش‌ها، کتاب‌ها و همچنین پایش اقدامات تروریستی مهم گروه داعش در فاصله بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ (چهار سال)، گردآوری شده و با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد تجزیه و تحلیل شده است.

در مقابل، کسانی که شکست‌های متوالی داشته‌اند، دیگر چندان به دیدگاه‌های خود اعتنا نمی‌کنند. افراد گروه اول، کسانی هستند که معمولاً در گروه‌ها جلو می‌افتند و دیگران را هدایت می‌کنند. سابقه موفقیت آن‌ها نقش مهمی در پذیرفته شدنشان به عنوان کسانی که نظر درستی ابراز می‌کنند، دارد (به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۸۱).

افراد مستقل، ممکن است دیدگاه‌های افراد دیگر را نیز بپذیرند، اما این خودشان هستند که تصمیم می‌گیرند. با این توضیحات روشن شد که نباید درباره پدیده هم‌نوایی، عجولانه قضاوت کنیم و آن را همیشه بد و منفی تلقی کنیم، چنان‌که کالینز^{۲۲} گفته است: ساده‌انگاری و سؤال در این باره که آیا هم‌نوایی خوب است یا بد، یک اشتباه است. شخصی که از پذیرش نظر و توصیه هر کسی در مورد هر موضوعی خودداری می‌کند، احتمالاً دارای مشکلات ویژه زندگی خود است. همان‌گونه که شخصی که همیشه هم‌نوایی می‌کند و هیچ‌گاه قضاوتی بر مبنای منابع اطلاعاتی فردی خود انجام نمی‌دهد نیز دارای مشکل است (کریمی، ۱۳۹۳).

از آنجایی که هم‌نوایی گروهی در جذب نیروهای داعش در سطح ملی و بین‌المللی با کمک ابزارهای رسانه‌ای در عمل و به‌شدت مورد استفاده قرار گرفته است، خلأ مطالعاتی جدی در مطالعه هم‌نوایی گروهی و نقش آن در گسترش گروه‌های تروریستی سلفی، تکفیری وجود دارد و ضرورت انجام پژوهشی با رویکرد روان‌شناسی به چشم می‌خورد. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف بررسی سنخ‌شناسی هم‌نوایی گروهی و نقش آن در گسترش گروه داعش، به روش نظریه داده‌بنیاد که یکی از روش‌های پژوهش کیفی

22. Collins

مدل پارادایم، مقولات و مضامین، کدهای یافت‌شده و نمونه‌های تحقیق جمع‌آوری شدند و برای ارزیابی و مشاوره به چند نفر از متخصصان حوزه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی ارائه شدند تا مورد مطالعه و بازبینی قرار گیرند و مواردی جهت اصلاح نظریه نهایی بیان شد. در تحقیق کیفی بحث پایایی موضوعیت ندارد، اما به جهت بررسی پایایی این تحقیق از روش توافق درون‌موضوعی استفاده شده است. بدین صورت که سه منبع از منابع موجود در اختیار کدگذار دیگری قرار گرفت و درصد تشابهات کدگذاری پژوهشگران و کدگذار دوم، نسبت به کل کدهای ایجادشده محاسبه گشت که معادل ۷۲ درصد و نشان‌دهنده پایایی مطلوب تحقیق بود.

۳. یافته‌های پژوهش

محقق کیفی، در سه مرحله نیازمند مرور جدی و عمیق سوابق پژوهشی و نظری مربوط به موضوع خود است: مرحله انتخاب موضوع، مرحله کدگذاری متون و نمونه‌گیری نظری مبتنی بر این یافته‌ها و مرحله پایانی تحقیق کیفی (حیدری چروده، ۱۳۹۵، به نقل از خوشکلام، ۱۳۹۷).

به طور کلی تحلیل تماتیک عبارت از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی است که طی آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌ای و برون‌داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد؛ یعنی عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند. این نوع تحلیل به دنبال الگویابی در داده‌هاست. زمانی که الگویابی از داده‌ها به دست آمد، باید حمایت موضوعی از آن صورت گیرد (محمدپور، ۱۳۸۸، به نقل از خوشکلام، ۱۳۹۷). در تحقیق حاضر سعی شده است با روش کیفی به کشف لایه‌های عمیق در منابع مورد مطالعه و سنخ‌شناسی تحلیلی پرداخته شود.

این پژوهش کیفی حالت رفت و برگشتی دارد، بدین معنا که داده‌های مربوط به یک مورد جمع‌آوری و تحلیل می‌شوند و پس از این تحلیل، تصمیم گرفته می‌شود که منبع بعدی چه منبعی باشد که بتواند اطلاعات دقیق‌تری درباره موضوع در اختیار محقق قرار دهد. همچنین تا زمان اشباع نظری یعنی زمانی که دیگر داده جدید حاصل نشود، به فرایند نمونه‌گیری ادامه داده شد. در این پژوهش از ۴۲ منبع استفاده شد، اما از منبع ۲۸ به بعد مطالب درون‌متنی جنبه تکرار داشت و داده‌ها به حد اشباع رسیده بودند. در این روش طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مطالب گردآوری‌شده از جملات خام و داده‌های اولیه به کدهای مفهومی و مقولات و طبقات تبدیل شدند که درنهایت با کدگذاری محوری در مدل پارادایم، نظریه داده‌بنیاد^{۲۳} مطرح شد.

این نظریه یک شیوه تحلیلی در علوم اجتماعی است که پیشاپیش نظریه مطرح نمی‌کند، بلکه پس از گردآوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها به نظریه می‌رسد (کاستلز، ۱۳۹۷: ۱۲). کدگذاری محوری شامل شرایط علی، پدیده محوری، بستر حاکم، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها می‌شود و با کدگذاری انتخابی پس از تحلیل هر منبع بخش‌های ناقص مدل شناسایی و انتخاب و در منبع بعدی به تکمیل آن‌ها پرداخته شد تا زمانی که محقق هم به اشباع نظری رسید و هم مدل از نظر مفاهیم کامل شد؛ یعنی به طور هم‌زمان از تکنیک اشباع نظری و تحلیل استقرایی استفاده شده است.

در این پژوهش برای بررسی اعتبار و روایی، یافته‌های پژوهش، مفاهیم استخراج‌شده در قالب

23. Grounded Theory (GT)



تصویر ۱. سنخ‌شناسی تحلیلی هم‌نوایی گروهی در گسترش داعش

۳-۱. شرایط علی مربوط به پدیده (گسترش گروه داعش)

- بیرونی (عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در کشورها و مناطق محل زندگی افرادی که به داعش پیوسته‌اند و همچنین اقدامات تبلیغاتی و رسانه‌ای سران گروه داعش برای جذب اعضا که در این پژوهش تحت عنوان نفوذ رسانه‌ای با هدف ایجاد هم‌نوایی گروهی از آن یاد می‌شود، و عوامل

شرایطی هستند که زمینه‌ساز بروز پدیده‌محوری می‌شوند، بنابراین بر طبق مدل پارادایم به‌دست‌آمده از داده‌های کیفی، شرایط علی مربوط به پدیده (گسترش گروه داعش) عبارت‌اند از عوامل موقعیتی

درون‌فردی (ویژگی‌های شخصیتی شامل ویژگی‌های عاطفی - روانی، شناختی، رفتاری و تجربه زیسته اعضای داعش و میزان نیاز به هم‌نوایی اطلاعاتی در آن‌ها) (تصویر شماره ۱).

درک چرایی عضویت فرد در گروه داعش صرفاً نمی‌تواند با تکیه بر یک عامل و متغیر صورت گیرد. در چارچوب طرح این پژوهش، عواملی که ذکر می‌شوند در کنار هم باید به تبیین این چراها بپردازند. در این پژوهش برای تبیین سنخ هم‌نوایی عضویت در گروه داعش، با تمرکز بر دیدگاه تعاملی، عوامل موقعیتی - بیرونی و عوامل درون‌فردی به عنوان مبنا در نظر گرفته شده‌اند.

عوامل موقعیتی - بیرونی را می‌توان با کمک مواردی از قبیل رواج تکفیر، فقدان عدالت اجتماعی، فقدان فرصت‌های اقتصادی و بیکاری، محدودیت‌های هنجاری، فشار سیستم‌های ارتباطی جدید و فضای مجازی، تغییرات و دگرگونی‌های جهانی، فرایند جهانی شدن، کاهش نفوذ دولت‌ها، بافت اجتماعی شکننده و پیچیده کشورهای آسیای مرکزی به‌خصوص افغانستان، عراق و سوریه، حمایت قدرت‌های بین‌المللی، تلاش برای توازن قدرت در منطقه، امنیت اسرائیل و درگیری‌های جبهه مقاومت، عامل گفتمانی از طریق فعالیت‌های تبلیغاتی و پروپاگاندایی با انجام سخنرانی، چاپ کتاب، استفاده از شبکه‌های اجتماعی در جذب اعضا و تلاش برای افزایش آگاهی اجتماعی جوانان و زنان سرخورده، بهره‌برداری از نارضایتی‌های سیاسی - اجتماعی، وعده توانمندی‌های اقتصادی مالی، نشان دادن قدرت از طریق ایجاد ترس و وحشت، نشان داد.

از مکانیسم‌های موقعیتی - بیرونی مهم در ایجاد هم‌نوایی گروهی جوانان با اعضای داعش، تغییرات و

دگرگونی‌های جهانی و گسترش کثرت‌گرایی به دنبال خلأ ناشی از سقوط ایدئولوژی‌های اتوپایی دوره مدرنیته مانند کمونیست در دنیای جدید، سرخوردگی اجتماعی از نظام سرمایه‌داری، تقلیل هویت انسان در بستر آموزه‌های مدرنیته بوده است. همچنین سیطره شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در فضای زندگی نسل جدید نقش بی‌بدیلی ایفا کرده است.

این شبکه‌ها فضاهای خودمختاری خارج از کنترل حکومت‌ها و شرکت‌ها ایجاد می‌کنند. در عصر غلبه اینترنت، قدرت‌های موجود برای رشد و بازتولید خود از طریق ارباب و مایوس کردن و در صورت لزوم خشونت محض، چه به صورت عریان و چه نهاده‌ها، بر اینترنت تکیه می‌کنند. مردم با سنین مختلف و شرایط گوناگون از فضای امن سایبر به سمت اشغال فضای شهری حرکت کردند، به سوی ملاقاتی کور با یکدیگر و با سرنوشتی که قصد داشتند خود آن را رقم بزنند (کاستلز، ۱۳۹۷: ۱۰).

هرتلین و وبستر^{۲۴} (۲۰۰۸) و هرتلین و آنچتا^{۲۵} (۲۰۱۴) (به نقل از خوشکلام، ۱۳۹۷) در پژوهش خود دریافتند که افراد به دلیل تسهیل ارتباطات و همراهی با پیشرفت جهانی در حوزه رسانه و ارتباطات جذب شبکه‌های اجتماعی می‌شوند. همراهی با پیشرفت جهانی تحت عنوان «فشار فناوری» به عنوان یک مفهوم جدید مطرح شده است.

همچنین مطالعه یوتز و بیوکوم^{۲۶} (۲۰۱۱) به نقل از (خوشکلام، ۱۳۹۷) نشان دادند افرادی که اعتماد به نفس و عزت نفس پایینی دارند سعی می‌کنند با ساخت یک تصویر آرمانی از خود در شبکه‌های اجتماعی مجازی، احساس عزت نفس خود را جبران

24. Hertlein, & Webster,

25. Hertlein & Ancheta

26. Utz, S.; Beukeboom

کنند. حاتمی (۱۳۹۴)، فاضلی، سلطانی‌فر و عباسی (۱۳۹۶)، فرهنگی و عباسی (۱۳۹۷)، عرفان‌منش و صادقی‌فسایی (۱۳۹۵)، در مطالعاتشان نشان دادند گسترش سریع گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه بیانگر این نکته است که حرکت تروریستی دیگر در قالب سنتی و درون‌کشوری صورت نمی‌پذیرد، بلکه فرایند جهانی‌شدن و سیستم ارتباطی جدید ابزارهای نوینی هستند که امکان سازمان‌دهی و اقدام فرامرزی را فراهم آورده‌اند.

کاهش نفوذ دولت‌ها، گسترش سیستم ارتباطی در کنار افزایش خودآگاهی اجتماعی باعث شکل‌گیری هویت‌های جدید ضدولتی در منطقه شده که داعش نیز با بهره‌گیری از این فرصت و تضعیف دولت‌ها سر برآورده است. داعش به طور فزاینده‌ای از طریق تسلط بر پیام‌رسانی در سیستم‌عامل‌های رسانه‌های اجتماعی، تبدیل به یک سازمان تروریستی شد. رشد داعش از لحاظ تعداد، نفوذ و قلمرو به طور عمده به دلیل توانایی اعضای آن در سازگاری با روش‌های غالب ارتباطات بوده است. تولید سی‌دی‌ها، دی‌وی‌دی‌ها، پوسترها، آگهی‌ها و محتوای مرتبط با وب، سازمان‌های تروریستی را برتری داد.

از نظر فاضلی و همکاران (۱۳۹۶)، اهداف گروه داعش در این شبکه‌ها مشتمل بر جلب توجه، کسب مشروعیت و مقبولیت، هویت‌سازی، اعلام موجودیت و کسب قدرت بوده است و مزیت‌ها شامل مخاطبان جهانی، دسترسی آسان، قدرت شبکه، سرعت زیاد، ارتباطات افقی، ارتباطات فراگیر، ارتباطات تعاملی، ارتباطات منعطف و ارتباطات ارزان بوده است. این شبکه‌ها برای گروه تروریستی داعش و پیشبرد اهداف آن در صحنه بین‌المللی، کارکردهای اطلاع‌رسانی، بسیج اجتماعی و همبستگی اجتماعی داشتند.

طبق نظر تایرنی^{۲۷} (Tierney, 2017) در فضای آنلاین، استفاده داعش از تکنولوژی رسانه‌ای، جدید نیست، اما آن‌ها روش پیچیده‌ای برای «بازی کردن در سیستم» را توسعه داده‌اند. داعش از ساختار خدماتی مانند توئیتر برای تقویت پیام خود استفاده کرده است. جسیکا استرن و جی. م. برگر^{۲۸} محققان اصلی‌ای هستند که روی داعش و افراط‌گرایی به‌خصوص در فضای آنلاین، تمرکز کرده‌اند. برگر در سرشماری خود برای مؤسسه برکینگ^{۲۹} یادآور می‌شود که یک سرشماری دقیق از حامیان داعش در رسانه‌های مختلف اجتماعی به دلیل تعلیق حساب و محدودیت‌های حریم خصوصی سیستم‌عامل‌ها دشوار است، با این حال محققان تخمین زده‌اند که از سپتامبر تا دسامبر ۲۰۱۴ حداقل ۴۶ هزار حساب توئیتر به وسیله حامیان داعش در توئیتر هم به طور فعال و هم غیرفعال مورد استفاده قرار گرفته است.

داعش تلاش کرد تا هشتگ‌های خود را در موضوعات مورد علاقه‌اش در توئیتر ظاهر کند. برای این کار با هماهنگی هوادارانش یک هشتگ خاص تکراری را در مدت‌زمانی کوتاه بارها و بارها توئیست می‌کرد. همچنین از روبات‌ها برای تقویت پیام‌هایش استفاده می‌کرد. با قرار گرفتن در معرض مزایا و معایب هشتگ‌ها می‌توان یک اثر آشنایی ایجاد کرد. داعش، همچنین از دیگر روند هشتگ‌ها مانند بازی‌های جام جهانی برای حضور در توئیتر استفاده کرد.

فولادی و بناکار، ۱۳۹۶، به نقل از (خوشکلام، ۱۳۹۷) در تحقیق خود نشان دادند که رسانه‌های ارتباط جمعی با بهره‌گیری از شگردهای نفوذ اجتماعی همچون اعتماد و محرم اسرار پنداشتن،

27. Tierney

28. Jessica Stern and J.M. Berger

29. Brookings

تمایل و علاقه، تحریک احساسات و عواطف، تدریجی و مستمر بودن ارتباط، سست کردن باورها و اعتقادات دینی، ایجاد اختلافات قومی و مذهبی، ترویج شبهات، بی‌مبالاتی و ولنگاری فرهنگی و اخلاقی و تأثیرات رفتاری، نگرشی، شناختی، عاطفی و فیزیولوژیکی، زمینه استفاده بیشتر، رضایت، جذب و نفوذ بیشتر مخاطبان را فراهم می‌کنند که مؤید نتایج به‌دست‌آمده در تحقیق حاضر از نظر تلاش عمدی رهبران داعش برای ایجاد نفوذ رسانه‌ای و هم‌نوایی گروهی از نوع هم‌نوایی اطلاعاتی در مخاطبان و کاربران خود بوده است.

عوامل درون‌فردی را می‌توان با کمک مواردی از قبیل جهل و ناآشنایی با تعالیم حقیقی اسلام، احساس حقارت در نسل دوم و سوم مسلمانانی که اجداد و یا والدینشان به کشورهای غربی مهاجرت کرده‌اند، مشکلات شخصیتی، خودِ حقیقی نامقبول، بحران هویت، احساس نیاز به تأیید اجتماعی و غیره نشان داد.

از طرف دیگر، مطالعات نشان داده است بحران هویت، متغیری بوده است که انگیزه قوی را برای پیوستن به داعش فراهم آورده است. داعشی‌ها دولت اتوپیایی را به مردم جهان بشارت می‌دادند که پاکی و تفاوت اسلام اصیل را داراست و شیوه تحقق آن نیز حماسی و شورانگیز است و از این جهت توانستند بسیج وسیعی را نه تنها در کشورهای عربی و آفریقایی که حتی در کشورهای غربی انجام دهند. مبارزان غربی آن‌ها نه فقط مهاجران مسلمان، که غربیان سفیدپوستی هستند که از آلودگی اخلاقی و بحران بی‌هویتی غرب به دامن آیینی ناب با داعیه تحقق پاکی و عدالت در جهان گرویده‌اند و خلأ سقوط ایدئولوژی‌ها یا اتوپیایی دوره مدرنیته مانند کمونیست را در این دنیای جدید یافتند (معموری، ۱۳۹۳).

به نظر می‌رسد صرف مطالعه عوامل فردی و یا صرف توجه به عوامل موقعیتی نمی‌تواند به‌تنهایی تبیین‌کننده خاستگاه گروه تروریستی داعش باشد و نیاز به مطالعه‌ای چندوجهی است. در پژوهش اقبال (۱۳۹۷)، برای مطالعه خاستگاه شناختی گروه داعش از چارچوب جدیدی به نام «شناخت‌شناسی گفتمانی» استفاده شد. این رویکرد از طیف رویکردهای تعاملی است که در «نظریه میدان» آمده است. کورت لوین^{۳۰} روان‌شناس اجتماعی معروف، بر اساس فرمول $(P,E)B=F$ نظریه میدان را مطرح کرد، که طبق آن شکل‌گیری یک شناخت و به تابع آن کنش و رفتار مبتنی بر آن شناخت، تابعی از تعامل میان شخص و محیط است.

روان‌کاوانی چون فروید^{۳۱} عوامل درونی و فرایندهای روان‌شناختی و علمای سیاسی و اجتماعی چون مارکس^{۳۲} عوامل بیرونی و اجتماعی را مسئول رفتار انسان می‌دانند. در حالی که لوین هر دو دسته عوامل را در تعیین رفتار انسان سهیم می‌داند (کریمی، ۱۳۹۳: ۴۸، به نقل از اقبال، ۱۳۹۷). این اعتقاد لوین صورت دیدگاهی است که امروزه به تئوری میدانی برمیانی «چشم‌انداز تعامل‌گرا» موسوم است و بر این اساس شکل گرفته است که می‌گوید افکار انسان در نتیجه مشاهده اعمالی که در میدان قدرت او اتفاق می‌افتند شکل می‌گیرد. او میدان را این‌گونه تعریف می‌کند: کلیت واقعیت‌هایی که به‌طور دوجانبه به هم وابسته‌اند و از هم تأثیر پذیرفته و بر هم تأثیر می‌گذارند (کرنشاو و مک کلوج، ۲۰۰۸، به نقل از اقبال، ۱۳۹۷).

لوین در شکل‌بخشی به تئوریش واژه «فضای زندگی» را آفرید که نمایانگر هر چیزی در میدان

30. Kurt Lewin

31. Freud

32. Marx

بودند تا بفهمند که شریعت درباره شیوه‌های درست چه گفته است) (Cohen, 2015)، استعاره خودی و غیرخودی (اقبال، ۱۳۹۷)، بحران هویت (نساج و همکاران، ۱۳۹۴)، اختلال شخصیتی، احساس شدید خودکم‌بینی و حقارت (واگدی لوزا، به نقل از هفته‌نامه سلامت، ۱۳۹۶) در ایجاد حس هم‌نوابی گروهی مخاطبان و شکل‌گیری پدیده داعش را تبیین کند.

زمینه‌ای که در آن راهبردهای مربوط به پدیده (گسترش داعش) بسط یافته‌اند: بستر حاکم شامل متغیرهایی است که به ظاهر بی‌ربط هستند، اما تأثیر بسزایی در راهبردهای اتخاذشده توسط کنشگران دارند و عبارت‌اند از: متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، تحصیلات، شغل، محل سکونت، وضعیت تاهل و غیره)، استخدام افراد خبره در کار ارتباطات، مهاجرت مسلمانان به کشورهای غربی و ویژگی‌های رهبران گروه.

در تأیید این مفاهیم به عنوان بستر حاکم بر راهبردهای اتخاذشده از سوی اعضای گروه داعش، می‌توان به برخی از تحقیقات پیشین اشاره کرد. بر اساس گزارش العامی (Alami, 2015) در خبر الباب^{۳۴}، تلاش داعش برای استخدام نیرو، هم تمرکز بر بزرگسالان و هم بر کودکان بوده است. آکادمی نظامی وست پوینت آمریکا (الوقت، ۱۳۹۵)، پژوهشی را برای بررسی نیروهای فعال جذب‌شده در قالب گروه تروریستی داعش انجام داده است. این پژوهش در نوع خود بی‌سابقه است و بیش از ۴۶۰۰ سند را بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴ بررسی کرده است: جوان و کم‌تجربه با میانگین سنی ۲۷ سال، تجرد، دانشجو و یا افراد شاغلی که مهارت بالایی نداشته‌اند، فقدان استقلال شخصیتی، بیکاری و بی‌حوصلگی و تلاش برای جست‌وجوی زندگی جدید، تأثیرپذیری

است که شخصیت فرد را تشکیل می‌دهد و به واسطه تغییرات در محیطی که او در آن زندگی می‌کند، دگرگون می‌شود به خاطر همین دگرگونی‌هاست که افراد در محیط‌ها و فضاها مختلف افکار متفاوتی دارند. رفتار نیز تابعی از همین تغییرات در فضای زندگی است و براساس همین تغییرات شکل می‌گیرد (شکرکن و همکاران، ۱۳۷۲، به نقل از اقبال، ۱۳۹۷).

درمجموع تئوری میدانی بر مبنای «چشم‌انداز تعامل‌گرا» به خوبی می‌تواند تعامل عوامل موقعیتی – بیرونی همچون (دولت و رشکسته^{۳۳} عراق و شکنندگی ساختارهای نظامی و سیاسی عراق و سوریه (ناوشکی و احمدیان، ۱۳۹۵؛ نظری و السمیری، ۱۳۹۳)، ساختار سیاسی اقتدارگرا و سکولار، رویکرد و اقدامات نادرست دولت‌های منطقه در برابر جریان افراط‌گرایی (کوهکن و باقری ۱۳۹۴)، استفاده داعش از لفظ خلافت به منظور تحریک احساسات جوانان مسلمان در غرب که از بحران‌های هویتی رنج می‌بردند (نساج، نظری و پوررنجبر، ۱۳۹۴)، حمایت‌های قدرت‌های بین‌المللی و بهره‌برداری از ناراضی‌های سیاسی – اجتماعی (خرمشاد و آشنا، ۱۳۹۷)، تکنولوژی سایبری با ایجاد فضای جدیدی از زندگی؛ استفاده رسانه‌ای و سازمان‌یافته از زنان در فعالیت‌های تبلیغاتی برای جذب عضو جدید (دیانت، ۱۳۹۶)، افزایش فعالیت‌های تبلیغاتی برای جذب جوانان و دادن وعده رفع تبعیض، ایجاد اعتماد به نفس و اعتماد در بین کاربران، وعده فرصت‌های اقتصادی با توجه به نرخ بیکاری و رفع فساد (Abdel Jelil, Bhatia, Brockmeyer, Do & Joubert, 2018; Ennaji, 2015) را در کنار عوامل درون‌فردی و ویژگی‌های شخصیتی کاربران (جهل و ناآشنایی با تعالیم اسلام و فقدان عمق ایدئولوژیک در نسل دوم یا سوم مهاجرانی که آموزش مذهبی ندیده

34. Albawaba News

33. State Failed

از وعده‌های داعش برای تأمین منزل و کار در اراضی تحت سلطه داعش، سطح بالای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و تحصیلی در عده‌ای از آن‌ها و گذراندن زمان زیاد در سایت‌های اینترنتی پیش از جذب شدن آن‌ها به گروه داعش، شست‌وشوی مغزی توسط حامیان و مفتیان گرایش‌های سلفی و جهادی. پژوهش مذکور تأکید می‌کند «سرخوردگی و یأس» یکی از مهم‌ترین بسترهای جذب جوانان به داعش بوده است.

تحقیقات دکتر واگدی لوزا^{۳۵} در دانشگاه کانادا (هفته‌نامه سلامت، ۱۳۹۶) نشان داد در غرب بیشتر کسانی که به این گروه‌ها می‌پیوندند این ویژگی‌ها را دارند: رهبران این گروه‌های تندرو و افراطی مذهبی، به طور متوسط ۱۵ سال بزرگ‌تر از پیروان و دیگر اعضای گروه هستند، حدود ۴۰ سال دارند، جذبه و قدرت تأثیرگذاری خیلی زیادی دارند، قادرند احترام طرفداران و پیروانشان را نسبت به خودشان برانگیزانند و دانش زیادی درباره ایدئولوژی‌شان دارند؛ به نحوی که می‌توانند دیگران را تحت تأثیر قرار دهند.

اعضای این گروه‌ها، معمولاً نسبت به اطرافیان و جهان بدبین هستند و گاهی ذهنشان بسیار با مقوله قدرت مشغول است؛ چون مثلاً تحت کنترل یک والد بسیار خشن یا حاکمیت خشن و تنبیه‌گر بوده‌اند، گروه‌هایی مانند داعش مأوایی می‌شود برای آن‌ها تا احساس قدرت کنند.

کوهکن و باقری (۱۳۹۴)، با انجام پژوهشی نشان دادند که، حضور اتباع کشورهای منطقه در ترکیب مبارزات داعش از مهم‌ترین عواملی بوده است که به شکل‌گیری داعش در منطقه منجر شده است. **اکبری (۱۳۹۵)** با انجام پژوهشی نشان داد اقدامات

35. Wagadi Loza

داعش برای تأثیرگذاری بر جوانان فقیر، بیکار، کم‌سواد و سرخورده در کشورهای خاورمیانه جذاب بوده، ولی عضوگیری جوانان سرخورده در کشورهای غربی توسط این گروه نیز به راحتی انجام می‌شد.

استفاده از استراتژی ارتباطات، از جمله روش‌های مؤثر داعش در پاسخ‌گویی به مشکلات ناشی از بحران هویت فردی و اجتماعی مخاطبان خود بوده است. لازمه موفقیت در استراتژی ارتباطی، به دو عامل رهبری کاریزماتیک و فعالیت‌های افراد خبره در کار ارتباطات وابسته است. کمپین استخدام افراد برای شناخت و جمع کردن آن‌ها از فعالیت‌های ضروری و بسیار مهم در این زمینه است. استخدام نیرو از جمله کارکردهای مهم در حوزه مدیریت منابع انسانی است و بر فرایند جذب، انتخاب و به کارگیری افراد داوطلب در قسمت‌های مناسب یک سازمان اطلاق می‌شود (Zgryziewicz, 2016).

افراد مستعد هم‌نوایی گروهی، با قرار گرفتن در معرض برنامه‌های تولیدشده از شبکه‌های اجتماعی وابسته به داعش دیر یا زود نشانه‌هایی از تغییرات خلقی و رفتاری را نشان می‌دادند. تحقیقات صدقی جلال و همکاران (۱۳۹۴) و کوچکی و همکاران (۱۳۹۵) به نقل از (خوشکلام، ۱۳۹۷) نشان دادند بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و افزایش سطح توقعات افراد رابطه وجود دارد. تلاش مبتنی بر استراتژی ارتباطی داعش در کنار آسیب‌پذیری افرادی که مستعد هم‌نوایی گروهی بودند، باعث شد داعش در زمان کوتاهی موجودیت یافته و به اوج قدرت برسد.

۳-۲. شرایط مداخله گر مؤثر بر راهبردها

شرایطی هستند که راهبردهای اتخاذشده توسط فرد را تسهیل و یا تحدید می‌کنند. بر اساس نتایج کدگذاری منابع، این شرایط در مدل پارادایم عبارت‌اند

نفس پایین و موقعیت ابراز نظر در این راستا مؤثرند (به نقل از عابدی و همکاران، ۱۳۹۱).

با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده و یافته‌های این پژوهش، وجود احساس نیاز به تأیید اجتماعی و جلب حمایت گروهی و خلأهای فراوان اجتماعی، عاطفی - روانی در بسیاری از اعضای داعش به آن‌ها آمادگی روان‌شناختی بالایی برای هم‌نوایی اطلاعاتی در گام نخست و ادامه فعالیت اعضای داعش تحت تأثیر هم‌نوایی هنجاری بخشیده است و این دو سبک هم‌نوایی به عنوان دو عامل مداخله‌گر توانسته‌اند راهبردهای اتخاذشده توسط فرد داعشی را تسهیل و یا تحدید کنند.

۳-۳. راهبردهای مربوط به پدیده (گسترش داعش)

استراتژی‌هایی هستند که فرد به واسطه ظهور و بروز پدیده اصلی آن‌ها را اتخاذ می‌کند و تحت تأثیر بستر حاکم و شرایط مداخله‌گر قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر راهبردها نشان‌دهنده نوع کنشی هستند که فرد پس از عضویت در گروه داعش از خود نشان داده است. طبق کدگذاری و تحلیل منابع و پژوهش‌های انجام‌گرفته، در پژوهش حاضر راهبردهایی که افراد در راستای پدیده عضویت در گروه داعش اتخاذ کرده‌اند عبارت‌اند از شکستن هنجارهای اجتماعی، نقض قوانین بین‌المللی و حقوق بشری با اعمال خشونت ترویج خیانت و ایجاد ترس و وحشت، کشتار هزاران انسان اعم از زن و مرد، پیر و جوان، مسلمان و مسیحی و غیره، سوزاندن اماکن شهری، روستایی، باستانی، صنعتی و غیره و فتوای جهاد جنسی نکاح؛ ضربه‌زدن به گفت‌وگو رقیب یعنی اسلام واقعی در شکل سیاسی، درگیری با جبهه مقاومت، انحراف در جنبش بیداری اسلامی و در نهایت ترویج اسلام هراسی؛ اعمال فشار

از میزان پابندی به هنجارهای برخاسته از ایدئولوژی سلفیه و تکفیر (اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی، مذهبی) و فقدان گشودگی ذهنی، جامعه‌پذیری نسبت به گروه داعش (فرهنگ‌سازی، آموزش سواد رسانه‌ای، آموزش نظامی و غیره، دسترسی به منابع مالی فراوان، حس تنوع‌طلبی، حمایت‌شدن از طرف قدرت‌های بین‌المللی و اسرائیل) و ویژگی‌های روان‌شناختی فرد (ساختار شخصیت، انگیزه‌های درونی از جمله میزان احساس نیاز به تشخص و تأیید اجتماعی و وضعیت کسب هویت).

مطالعه‌ی دیانت (۱۳۹۶)، بیانگر این نکته است که مسلمانان سنی‌مذهب برای کسب تشخص از یکسو و مبارزه با هویت پایمال‌شده و حس خفت گروهی از سوی دیگر، روش خشونت کور داعشی را بر مبارزات مدنی و عاری از خشونت ترجیح دهند.

نتایج مطالعه مربوط به ویژگی‌های اعضای داعش نشان داده است که عزت نفس آن‌ها بالا نبوده و در پژوهش‌های آلوارو و کرانو^{۳۶} (Alvaro & Crano, 1996)، باهلر و گریفین^{۳۷} (Buehler & Griffin, 1994) و جیتن و همکاران (۲۰۰۶) به رابطه عزت نفس آزمودنی‌ها با هم‌نوایی گروهی اشاره شده است. یافته‌های پژوهشی آنان حاکی از آن است که افرادی که عزت نفس کمتری دارند، خیلی بیشتر به فشار گروه تن می‌دهد تا کسانی که عزت نفس بیشتری دارند (Baron & Byrne, 2004; Cialdini & Goldstein, 2004; Reysen, 2005; Brown & Schaefer, 2010).

در تحقیق جیتن و همکاران (۲۰۰۶)، تحت عنوان «چه هنگام افراد گروه تحت تأثیر هم‌رنگی قرار می‌گیرند» بیان شد، عواملی مانند نامطلوب بودن شرایط اقتصادی - اجتماعی، عزت نفس و اعتماد به

36. Alvaro & Crano
37. Buehler & Griffin

(۱۳۹۳) که مسئله داعش را متأثر از ایجاد هراس عمومی و آشفتگی عمیق مدنی و مهم‌تر از همه دستیابی داعش به منابع مالی جدید و اعمال کنترل بر مناطق و مراکز حیاتی دانسته‌اند. در پژوهشی دیگر، **نساج و همکاران (۱۳۹۴)**، نشان دادند که کشتار مردم بی‌گناه توسط داعش، همچنین، بسیاری از اقدامات و منابع مالی که این گروه تروریستی از آن در جهت اقدامات خود بهره گرفتند نه تنها در ضدیت با دین اسلام قرار داد که مخالف با قوانین بین‌المللی و حقوق بشری بوده است.

عرفان‌منش و صادقی‌فسایی (۱۳۹۵) پس از جست‌وجو در اسناد و اخبار معتبر درباره زنان و خانواده در میان شبکه‌های اجتماعی و پایگاه‌های خبری بین‌المللی و داخلی (۶۲ سند بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵)، الگوی خانواده از منظر گفتمان داعش را، بر اساس بینش نظری و روش تحلیل گفتمان انتقادی و تحلیل گفتمان لاکانی، در سه سطح تحلیل توصیفی، تفسیری و تبیینی بازنمایی و تحلیل کردند. در مجموع، چنین به نظر می‌رسید که الگوی خانواده داعشی حول مفاهیم مردم‌محوری، غلبه اصالت جمع و توجه به آموزه‌های سلفی‌گرایی و ظاهرگرایی مفصل‌بندی شده است.

بر اساس پژوهش‌های **رضایی و موسوی (۱۳۹۶)**، پدیده «تکفیر» که منجر به ظهور داعش شد، ممکن است از لحاظ سرعت عمل و فراگیری فتوحات سرزمینی این گروه در دوران معاصر، پدیده‌ای نوظهور به نظر برسد، اما ریشه‌های آن را از لحاظ کلامی و ایدئولوژیک می‌توان در تاریخ اسلام جست‌وجو کرد. امروزه این تحول راهبردی، به شدت برای غربی‌ها و رژیم صهیونیستی، مطلوب بوده است؛ زیرا از تکفیری‌ها در جهت رسیدن به اهداف استکباری خود و ضربه زدن به گفتمان رقیب، یعنی اسلام سیاسی بهره گرفتند.

روانی و نفوذ از طریق سیستم‌های ارتباطی جدید و فضای مجازی (هم‌نوایی اطلاعاتی)؛ انحراف و بدعت در مفاهیم ارزشی دین اسلام و ترویج شبهات از جمله مشروعیت بخشیدن به خشونت تحت عنوان «جهاد»، ترویج مفاسد اخلاقی تحت عنوان «نکاح»، «حکومت»، «خانواده»، «اصل ترجیح نقل بر عقل» و «نفی مطلق ارزش و اعتبار احکام عقلی، اجتهاد و تفسیر» و نابودی منابع نفتی، طبیعی، زیرساخت‌های توسعه و غارت ثروت ملی کشورهای تحت سلطه. مجموعه این راهبردها تحت تأثیر راهبرد اصلی دیگر یعنی هم‌نوایی هنجاری اتفاق افتاده است.

شرایطی که سبب عضویت فرد در گروه داعش شده است به همراه بستر حاکم و شرایط مداخله‌گر، مجموعه‌ای از عوامل را تشکیل می‌دهند که نوع رفتار فرد را تعیین می‌کنند. فرد داعشی در اثر این شرایط در بدترین وضعیت راهبرد رفتاری از نظر شکل و کنش قرار گرفته است. راهبردهایی که در این تحقیق به آن‌ها رسیدیم شامل مفاهیم جدیدی مانند شکستن هنجارهای اجتماعی، نقض قوانین بین‌المللی و حقوق بشری، ضربه زدن به گفتمان رقیب، سوءاستفاده معنادار و گسترده از سیستم‌های ارتباطی جدید و فضای مجازی، انحراف و بدعت در مفاهیم ارزشی دین اسلام و نابودی منابع نفتی، طبیعی، زیرساخت‌های توسعه و غارت ثروت ملی کشورهای تحت سلطه و مهم‌ترین راهبرد یعنی هم‌نوایی هنجاری بوده‌اند. راهبردهای مورد استفاده داعش، در این بخش همگی مشتمل بر واژگانی با بار منفی (شکستن، نقض، ضربه زدن، سوءاستفاده، انحراف و بدعت و نابودی) هستند، همان راهبردهایی که دنیا را در بهت تنزل مقام انسانی در عصر شکوفایی تکنولوژی ارتباطی فرو برد.

در تأیید نتایج بخش راهبردها، می‌توان به پژوهش‌های ذیل اشاره کرد. **نظری و السمیری**

(man, Zeigler-Hill & Bullock, 2009). در مورد گروه داعش به نظر می‌رسد که در ابتدا، با ابراز تمایل افراد برای کسب اطلاعات در مورد چگونگی ایدئولوژی و رفتار این گروه که عمدتاً در فضای مجازی و غیرمستقیم صورت گرفته است، هم‌نوایی گروهی به صورت نفوذ اطلاعاتی وجود داشته و بعد از انجام مراحل عضویت و پذیرفته شدن در این گروه و قبول انجام وظایف درون گروهی، هم‌نوایی به صورت نفوذ هنجاری انجام شده است.

هم‌نوایی هنجاری با گروه داعش عمدتاً با رفتارهایی مملو از خشونت همراه بوده است. **مهره‌کش (۱۳۹۶)** در پایان‌نامه خود با عنوان «مبانی مشروعیت‌ساز خشونت‌گرایی در نظام فکری - سیاسی داعش» نشان داد اندیشه و گفتمان داعش، برای رسیدن به یک راه‌حل اساسی به منظور پاسخ به مسائل و بحران‌های هویتی استفاده از خشونت بی‌حد و اندازه‌ای است که سربازان و پیروان داعش، آن را برای رسیدن به هدف خود به خدمت می‌گیرند و از نظر آن‌ها استفاده از خشونت، مشروع است.

فرهنگی و عباسی (۱۳۹۷) با انجام پژوهشی نشان دادند چرخش رسانه‌های جدید و سوگیری آن‌ها در اقتدارزدایی و حرکت بر مدار خودمختاری کاربران، آوردگاه نوینی را خلق کرده است. با زایل شدن فرایند دروازه‌بانی اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی، مخاطره در کنشگری اجتماعی به شدت تقلیل یافته و عصر جدیدی برای ظهور گفتمان‌های با هویت مقاومت و جهت‌گیری تروریستی در این شبکه‌ها آغاز شده است. گروه تروریستی داعش به عنوان نسل دوم تروریسم جهانی، از طریق پوشش رسانه‌ای خشونت سیاسی با انگاره‌های مرگ در شبکه‌های اجتماعی، استراتژی ایجاد رعب و وحشت در اذهان عمومی را عملیاتی کرده و گونه جدید «تروریسم رسانه‌ای در

در مورد راهبرد هم‌نوایی هنجاری با توجه به نظریه پویایی گروهی لوین می‌توان گفت افراد در اثر عضویت در گروه‌های مختلف به تدریج از طریق پویایی گروهی ارزش‌ها و نگرش‌های خود را تغییر می‌دهند تا شباهت بیشتری با دیگران کسب کنند و در فضای اجتماعی و مجازی منزوی نشوند (**خوشکلام، ۱۳۹۷**). استفاده از هم‌نوایی هنجاری را می‌توان مشروط به زمانی کرد که فرد قطعاً به عضویت گروه داعش درآمده است و برای ادامه دادن به عضویت در گروه ملزم و مقید به مبانی نظری و رعایت هنجارهای گروه است.

هم‌نوایی هنجاری هنگامی است که فرد به دلیل پیامدهای ناشی از عدم هم‌نوایی، هم‌نوایی کند؛ یعنی به این دلیل که دیگران او را تنبیه نکنند و یا پاداشی را از او دریغ نکنند، هم‌نوایی می‌کند. **باند^{۳۸} (۲۰۰۵)** (به نقل از **عابدی و همکاران، ۱۳۹۱**) در پژوهشی با روش فراجلیل، در زمینه هم‌نوایی گروهی به این نتیجه رسید که هم‌نوایی وقتی خود را به شکل نفوذ هنجاری نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان چهره‌به‌چهره با یکدیگر روبه‌رو شوند و به پاسخ‌های عمومی تمایل داشته باشند، در حالی که نفوذ اطلاعاتی در مواقعی وجود دارد که شرکت‌کنندگان به صورت خصوصی پاسخ دهند و یا به طور غیرمستقیم با اکثریت روبه‌رو شوند.

همچنین او در پژوهش خود تأثیر اندازه گروه را در هم‌نوایی بررسی کرده و معتقد است که افزایش تعداد افراد باعث افزایش هم‌نوایی می‌شود. به عبارت دیگر، دلیل هم‌نوایی گروهی را ناشی از موقعیت آزمایش، ویژگی‌های شخصیتی آزمودنی‌ها و یا ترکیبی از این دو دانسته‌اند (**Baron & Byrne, 2004; Sloan, Ber-**

شبکه‌های اجتماعی» را نمایان کرده است.

بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده، نقش این راهبردها یا همان متغیرهای واسطه را نادیده گرفته‌اند. و این موضوع اهمیت تحقیق کیفی را آشکار می‌کند که می‌توان با بررسی بیشتر و با کنکاش در ذهن کنشگران به متغیرهای واسطه دست یافت تا علاوه بر درک روابط میان آن‌ها، به چگونگی تأثیر آن‌ها بر یکدیگر و نقش تعاملی بین آن‌ها پی برد.

۳-۴. پیامدهای راهبردها

راهبردهایی که در نتیجه عضویت در گروه داعش در اعضای این گروه اتخاذ شده‌اند، پیامدهایی را به دنبال داشته‌اند (به‌خصوص بعد از فروپاشی داعش) که عبارت‌اند از: ۱. افزایش تنش در سطح روابط برون‌فردی (تشدید اختلافات قومی و مذهبی، نارضایتی عمومی مسلمانان و مردم دنیا به علت تغییر معیارها، بی‌اعتمادی مردم و دولت‌ها به اتباع کشورهای مسلمان و گسترش اسلام‌هراسی، افزایش مهاجرت از کشورهای تحت سلطه داعش به سایر کشورها و افزایش خشونت و پرخاشگری)؛ ۲. افزایش تنش در شخصیت فردی برخی از اعضای داعش (استرس ناشی از زندانی شدن و اعدام شدن، افسردگی، سردرگمی، احساس تنهایی و تهدید، کاهش عمق روابط عاطفی، نارضایتی از خود به دلیل دوگانگی، سرخوردگی از متأهلی و تشکیل خانواده داعشی و بلا تکلیف بودن وضعیت زنان و فرزندان آن‌ها، کاهش پایبندی به ارزش‌ها، سست شدن باورها و اعتقادات دینی، عذاب وجدان، پشیمانی، طرد شدن از جامعه و خانواده و انزوای اجتماعی (درون‌گرایی).

شکل‌گیری داعش و گسترش سریع آن از یکسو و از سوی دیگر عدم تحقق وعده‌های داعش و فروپاشی آن در سال ۲۰۱۷، باعث شد پیامدهایی در مناسبات

منطقه‌ای و جهانی و در سطح فردی ایجاد شود که در قسمت بالا به نمونه‌هایی از آن اشاره شد. اکبری با مقاله‌ای تحت عنوان «چگونگی نقش‌آفرینی داعش در مناسبات سیاسی خاورمیانه» (اکبری، ۱۳۹۵) برای پاسخ به سؤال اصلی خود از نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف^{۳۹} استفاده کرد. در این نظریه همه‌چیز به زبان و متن تقلیل می‌یابد.

گفتمان‌ها پی‌درپی در اطراف یک دال مرکزی ایجاد می‌شوند و سپس رو به افول و زوال می‌روند. ساختارهای بی‌قرار و متزلزل، هیچ‌گاه نمی‌توانند نظام‌های سیاسی دیرپا و ثابتی داشته باشند. درحقیقت، هرچه ساختار، بی‌قرارتر باشد، نظام سیاسی برخاسته از آن، دچار تزلزل و بی‌قراری بیشتری است. **فرهنگی و عباسی (۱۳۹۷)** با انجام پژوهشی نشان دادند کنشگری با سوگیری ضد قدرت این گروه در شبکه‌های اجتماعی، طلیعه ظهور چالش‌هایی مانند ناامنی و بی‌ثباتی، اختلافات مذهبی و قومی، شکاف‌های اجتماعی و پیش‌بینی‌ناپذیری امور در جوامع شده است.

آنچه در این تحقیق به عنوان یک نتیجه ویژه می‌توان اظهار داشت این است که تحقیق کیفی در حقیقت ابعاد پنهان یک پدیده را برای محقق آشکار می‌سازد، ابعادی مانند متغیرهای واسطه، چراکه در تحقیق کمی محقق به دنبال اثبات یا رد روابط میان متغیرهاست و با علت‌ها سروکار دارد، اما در تحقیق کیفی و به‌ویژه نظریه داده‌بنیاد، طیفی از دلایل اعم از شرایط علی، بستر حاکم و شرایط مداخله‌گر، از طریق متغیرهای واسطه یا همان راهبردها، پیامدها را به وجود می‌آورند. این فرایند اکتشاف که همان تحقیق بنیادی است، با آشکارسازی مفاهیم جدید، نظریات پیشین مرتبط با موضوع را توسعه داده و آن

39. laclau and Mouffe

را به گونه‌ای جامع بیان می‌کند.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش و نظریه حاصل از اجرای روش نظریه داده‌بنیاد، استنباط نظری پژوهشگران بر این بود که عضویت در گروه داعش در اثر تعامل عوامل موقعیتی - بیرونی و عوامل درون‌فردی، تحت تأثیر بستر حاکم و متغیرهای مداخله‌ای با استفاده از راهبردهای مختلفی از جمله، هم‌نوایی گروهی در سنخ اطلاعاتی در گام نخست و ادامه فعالیت اعضای داعش تحت تأثیر راهبرد هم‌نوایی گروهی در سنخ هنجاری قابل تبیین است.

افزایش تنش در روابط اجتماعی و همچنین در شخصیت درون‌فردی از جمله پیامدهای عضویت و ادامه فعالیت در گروه داعش بوده‌اند. تعامل رهبرانی که به دنبال کنترل جمعی و نفوذ اجتماعی بودند و جوانان سرخورده و سراسر نیازی که آمادگی روانی بسیار زیادی برای هم‌نوایی گروهی و پیدا کردن خود گمشده‌شان داشتند با کمک کانال ارتباطی برخاسته از تکنولوژی (شبکه‌های اجتماعی نوین) توانست داعش را در مدت‌زمان بسیار کوتاهی به عنوان یک پدیده نوظهور در دنیا ایجاد و گسترش دهد.

هر کاربر اینترنتی به عضویت گروهی مثل داعش در نمی‌آید، مگر واجد ویژگی‌هایی همچون جوانی و کم‌تجربگی و فقدان مهارت‌های شغلی مناسب، فقدان استقلال شخصیتی، بیکاری و بی‌حوصلگی و تلاش برای جست‌وجوی زندگی جدید، تأثیرپذیری از وعده‌های داده‌شده در زمینه تأمین منزل و کار، گذراندن زمان زیاد در سایت‌های اینترنتی، آمادگی بالا برای شست‌وشوی مغزی توسط حامیان و مفتیان گرایش‌های سلفی و جهادی، احساس سرخوردگی و یأس، جهل و ناآگاهی نسبت به حقیقت دین و

دانایی، فقدان سواد رسانه‌ای، احساس حقارت، بحران هویت و غیره باشد و از طرفی هر گروه مدعی هم نمی‌تواند جوانان را به عضویت خود درآورد مگر واجد ویژگی‌هایی همچون رهبری کاریزماتیک، داشتن نیروهای حرفه‌ای و خبره در حوزه تکنولوژی ارتباطات، توان و قدرت سیطره اطلاعاتی، قدرت نفوذ و ذهن‌شویی، منابع مالی فراوان و دلخوش کردن جوانان به وعده ساختن دنیایی جدید و متفاوت، کارهای تبلیغاتی و پروپاگاندا در حوزه آسیب‌دیدگان اجتماعی اعم از کودکان، زنان و جوانان، توان سرگرم کردن جوانان و پر کردن اوقات فراغت آنان به قصد جامعه‌پذیری و درونی ساختن فرهنگ خود، تلاش برای انفکاک ذهنی کاربران و مخاطبان با استعاره خودی و غیرخودی و ایجاد تصورات قالبی و روابط معنادار در بین گروه‌های هویتی برخاسته از سیستم فکری و ایدئولوژیک گروه و غیره باشد.

به طور خلاصه گام اول برای جذب اعضای گروه داعش نفوذ اطلاعاتی یا هم‌نوایی اطلاعاتی و گام دوم برای ماندن عضو در گروه داعش هم‌نوایی هنجاری بوده است. داعش با استفاده از تمام تلاش خود در کنار حمایت قدرت‌های بزرگ متأسفانه در زمانی کوتاه توانست این دو گام را عملیاتی ساخته و به سرعت گسترش یابد. تشکیل داعش و گروه‌هایی نظیر آن، حاصل پس زده شدن و تحقیر از سوی خانواده و جامعه و همچنین از تبعات جهانی‌سازی است. فرایند افراط‌گرایی، نتیجه تعامل پیچیده‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، هویتی و غیره است که فاکتورهای بسیار پیچیده، متنوع اجتماعی و فردی محسوب می‌شوند.

داعش در حال حاضر یک سازمان ضعیف است؛ زیرا قلمرو و اعتبار سابق خود را از دست داده است. ولی، این گروه زمانی به هویتی قدرتمند تبدیل شد.

استعدادهای رهبری قوی‌تر و روابط اجتماعی معقول‌تر و بدون وجود احساس حقارت باشند، جهان از وجود داعش و سایر گروه‌های تروریستی پاک خواهد شد، در غیر این صورت داعش با چهره‌ای جدید دوباره به ظهور می‌رسد که امید است با تدبیر سیاست‌گذاران و متخصصان آگاه، هوشیار و زمان‌شناس، هرگز چنین نشود.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاقی در این پژوهش رعایت شده است.

حامی مالی

این مقاله حامی مالی نداشته است.

مشارکت نویسندگان

تمامی نویسندگان در نگارش این مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

داعش ممکن است بیاید و به‌خصوص در شکلی که ما در حال حاضر مشاهده می‌کنیم برود، با این حال، تکنیک‌های روایت استراتژیک و پیام‌های آن‌ها ممکن است ادامه یابد؛ نه تنها با داعش بلکه با هر گروه افراطی خشونت‌آمیز می‌توان در آینده مواجه شد؛ همچنان که داعش در حال نابودی است باید تفکر داعشی نیز باقی نماند (علی‌بخشی، ۱۳۹۶). شناخت استراتژی‌های عمل آن‌ها به عنوان نیروهایی که مولود جهانی‌سازی هستند، می‌تواند بر واکنش مناسب اقشار مردم و به‌خصوص جوانان هر کشوری در مواجهه و مقابله با آنان و تسلیم نشدن در مقابل هجمه و فشار تبلیغاتی آنان مؤثر باشد.

در این پژوهش، عدم امکان مصاحبه مستقیم با اعضای گروه داعش جزء محدودیت‌های پژوهشی بوده است، ولی در عین حال دسترسی به پژوهش‌های معتبر و قابل استناد علمی از جمله نقاط قوت این کار بوده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، در ادامه پیشنهادهایی جهت پیشگیری از شکل‌گیری گروه‌های سلفی - تکفیری همچون گروه داعش ارائه شده است.

آموزش سواد رسانه‌ای و فرهنگ صحیح استفاده از شبکه‌های اجتماعی از طریق رسانه ملی؛ اجتناب از سلیقه‌محوری که موجب گسترش نارضایتی و درنهایت فرصت‌سازی برای تکفیری‌هاست؛ پرداختن به آموزش و پرورش حوزه دین به عنوان حقیقتی پایدار بر مبنای اصل اسلام؛ محرومیت‌زدایی و توجه به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق مختلف کشور؛ توجه به سرمایه‌های فرهنگی - اجتماعی در مناطق مختلف کشور؛ مطالعات و پژوهش‌های چند جانبه علمی.

با توجه به نیازهای اصیل جوانان، چنانچه جوانان جامعه دارای کارایی فکری بیشتر، خودنیرومندتر،

منابع فارسی

- عبدال، ر.، و موسوی، س. ص. (۱۳۹۶). ظهور داعش و تأثیر آن بر معادلات منطقه‌ای: مطالعه موردی چالش‌ها و فرصت‌های به‌وجودآمده برای ایران. *جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، ۱۱(۱)، ۱۴۹-۱۷۴.
- زمانی، ر.، افضل‌راد، و امامی‌لنگرودی، م. (۱۳۷۰). پژوهشی در مورد تأثیر اکثریت متفق بر اقلیت واحد: بازسازی آزمایش اصلی همنوایی «آش» با آزمودنی‌های ایران. *پژوهش‌های روانشناختی*، ۱۱(۲-۱)، ۳۶-۶۰.
- عابدی، ا.، عریضی، ح. ر.، لعلی، م.، و اسماعیلی، م. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین همنوایی گروهی دانش‌آموزان دختر متوسطه شهر اصفهان با ویژگی‌های کم‌دامنه شخصیتی آنان. *رویکردهای نوین آموزشی*، ۱۷(۱)، ۷۳-۹۰.
- عرفان‌منش، ا.، و صادقی‌فسایی، س. (۱۳۹۵). بازنمایی و تحلیل گفتمان انتقادی-لاکانی الگوی خانواده داعش در فضای مجازی. *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، ۱۷(۳۵)، ۳۳-۵۱.
- علی‌بخشی، ع. (۱۳۹۶). نشست آموزشی شناخت جریان‌های تکفیری و سلفی در بندرعباس، قابل دسترسی در <http://chb.iribnews.ir/fa/news/1857030>
- فاضلی، ن.، سلطانی‌فر، م.، و عباسی، ح. (۱۳۹۶). مزیت‌ها و کارکردهای شبکه‌های اجتماعی برای گروه‌های تروریستی (مطالعه موردی: استفاده گروه داعش از توئیتر و فیس‌بوک). *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۳(۱۲)، ۱-۳۰.
- فرهنگی، ع. ا.، و عباسی، ح. (۱۳۹۷). طراحی مدل مقابله با چالش‌های تروریسم رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی (مطالعه موردی: مطالعه گروه داعش در شبکه‌های توئیتر و فیس‌بوک). *دین و ارتباطات*، ۲۵(۱)، ۱۲۹-۱۵۶.
- کاستلز، م. (۱۳۹۷). *شبکه‌های خشم و امید*. ام. قلی‌پور، ترجمه فارسی. چاپ ۵. تهران: نشر مرکز.
- کریمی، ی. (۱۳۹۳). *روانشناسی اجتماعی*. چاپ ۱۹. تهران: دانشگاه پیام نور.
- کوهکن، ع. ر.، و باقری، س. (۱۳۹۴). زمینه‌های شکل‌گیری گروه داعش در آسیای مرکزی. *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۳۵(۳)، ۱۸۵-۲۰۷.
- لطفی، ح. (۱۳۷۲). بررسی رابطه منبع کنترل و حمایت اجتماعی با بهرهنگی اجتماعی [پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد].
- اقبال، ح. (۱۳۹۷). تبیین خاستگاه‌های شناختی و ترسیم مدل ذهنی گروه تروریستی داعش. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۷(۲۴)، ۲۴۵-۲۷۵.
- اکبری، ح. ر. (۱۳۹۵). چگونگی نقش‌آفرینی داعش در مناسبات سیاسی خاورمیانه. *جستارهای سیاسی معاصر*، ۱۹(۷)، شماره اول: ۱-۲۶.
- الوقت. (۱۳۹۵). آمار و اطلاعاتی خواندنی از ویژگی‌های شخصیتی اعضای داعش. قابل دسترسی در <http://alwaght.com/fa/News/54230>
- اوسالیوان، ت.، ساندروز، د.، هارتلی، ج.، و فیسک، ج. (۱۳۸۵). *مفاهیم کلیدی ارتباطات*. ام. ح. رئیس‌زاده، ترجمه فارسی. تهران: فصل نو.
- آرونسون، ا. (۱۳۸۳). *روانشناسی اجتماعی*. ج. شکرکن، ترجمه فارسی. تهران: رشد.
- پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه. (۱۳۸۱). همنوایی و پیشرفت. *حدیث زندگی*، ۷(۷).
- حاتمی، م. ر. (۱۳۹۴). شکل‌گیری داعش در کانون پویش جهانی شدن. *مطالعات روابط بین‌الملل*، ۳۸(۳۰)، ۱۴۷-۱۷۰.
- خالدی، س. (۱۳۹۳). همنوایی قابل دسترسی در http://pajoohe.ir/%D9%87%D9%85%D9%86%D9%88%D8%A7%D-B%8C%DB%8C-Conformity_a-31832.aspx
- خرمشاد، م. ب.، و آشنا، ق. (۱۳۹۷). بررسی عوامل درونی و بیرونی مانایی پدیده نوظهور داعش (از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷). *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، ۱۹(۴۳)، ۶۱-۸۲.
- خوشکلام، ن. (۱۳۹۷). مطالعه کیفی درک زوجین از تأثیر شبکه اجتماعی تلگرام بر روابط عاطفی (مطالعه موردی: زوجین ۱۵-۴۰ سال شهرستان بروجرد) [پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد]. بروجرد: دانشگاه حضرت آیت‌الله‌العظمی بروجردی.
- دیانت، م. (۱۳۹۶). بررسی شکل‌گیری روانشناسی خشونت در قالب داعش. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۷(۲۵)، ۲۹۳-۳۱۰.
- دبیرخانه کنگره جهانی مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری. (۱۳۹۵). کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام. قابل دسترسی در <https://makhat->

تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

ملک‌صیداآبادی، م. (۱۳۹۴). تبیین جریان سلفی‌گری و تاثیر آن بر اهل سنت ایران؛ (بررسی موردی در استان خراسان رضوی - شمالی - جنوبی) [پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد]. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

معموری، ع. (۱۳۹۳). نوستالژی خلافت اسلامی در جهان سنی. قابل دسترس در https://www.bbc.com/persian/blogs/2014/06/140621_i44_nazeran_sunnis_caliphate_revival

موسوی، س. ا. (۱۳۹۷). مبانی نظری افراط‌گرایی، تکفیر و خشونت مذهبی در جهان اسلام (با تأکید بر سلفیه جهادی) [رساله دکتری]. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.

مهره‌کش، ا. (۱۳۹۶). مبانی مشروعیت‌ساز خشونت‌گرایی در نظام فکری سیاسی داعش [پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد]. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

ناوشکی، ح، و احمدیان، ق. (۱۳۹۵). عوامل قدرت‌یابی داعش در عراق. علوم سیاسی، ۱۸(۷۲)، ۴۳-۶۷.

نساج، ح، نظری، م، و پوررنجبر، م. (۱۳۹۴). شناسایی و تأمین منابع مالی داعش. حبل‌المتین، ۴(۱۱)، ۳۷-۵۵.

نظری، ع. ا، و السمیری، ع. (۱۳۹۳). بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش): فهم زمینه‌های فکری و سیاسی - اجتماعی. علوم سیاسی، ۱۷(۶۸)، ۷۵-۱۰۸.

هفته‌نامه سلامت. (۱۳۹۶). روانشناسی داعش و داعشی‌ها. قابل دسترس در <https://hawzah.net/fa/Article/View/95305/>

References

- Abedi, A., Oreizi, H. R., Lali, M., & Esmaceli, M. (2012). [Investigation of the relation between group conformity of Isfahan high school students and their personality attributions (Persian)]. *New Educational Approaches*, 7(1), 73-90. http://nea.ui.ac.ir/article_19075.html
- Abdel Jelil, M., Bhatia, K., Brockmeyer, A., Do, Q. T., & Joubert, C. (2018). Unemployment and violent extremism: Evidence from Daesh foreign recruits. *Policy Research Working Paper*, 8381. <https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/29561>
- Akbari, H. R. (2016). [The role of ISIS in political relations in the Middle East (Persian)]. *Contemporary Political Studies*, 7(19), 1-26. http://politicalstudy.ihs.ac.ir/article_2127.html
- Alami, M. (2015). Daesh's child recruitment in overdrive. Retrieved from <https://www.albawaba.com/news/daeshs-child-recruitment-overdrive-668524>
- Alibakhshi, A. (2017). [Training session on recognizing Takfiri and Salafi currents in Bandar Abbas (Persian)]. Retrieved from <http://chb.iribnews.ir/fa/news/1857030>
- Al-Waqt. (2016). [Readable statistics and information on the personality traits of ISIL members (Persian)]. Retrieved from <http://alwaqt.com/fa/News/54230>
- Alvaro, E. M., & Crano, W. D. (1996). Cognitive responses to minority- or majority-based communications: Factors that underlie minority influence. *British Journal of Social Psychology*, 35(1), 105-21. [DOI:10.1111/j.2044-8309.1996.tb01086.x]
- Aronson, E. (2004). *Social psychology* [H. Shekarkan, Persian Trans]. Tehran: Roshd.
- Baron, R., & Byrne, D. (2004). *Social psychology*. New York: Allyn & Baconinc.
- Bond, R., & Smith, P. B. (1996). Culture and conformity: A meta-analysis of studies using Asch's (1952b, 1956) line judgment task. *Psychological Bulletin*, 119(1), 111-37.. [DOI:10.1037/0033-2909.119.1.111]
- Brown, A., & Schaefer, A. (2010). The effects of conformity on recognition judgments for emotional stimuli. *Acta Psychologica*, 133(1), 38-44. [DOI:10.1016/j.actpsy.2009.08.004] [PMID]
- Buehler, R., & Griffin, D. (1994). Change-of-meaning effects in conformity and dissent: Observing construal processes over time. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67(6), 984-96. [DOI:10.1037/0022-3514.67.6.984]
- Castells, M. (2018). *Networks of outrage and hope* [M. Gholipour, Persian Trans]. 5th Ed. Tehran: Nashr-e Markaz.
- Cialdini, R. B., & Goldstein, N. J. (2004). Social influence: Compliance and conformity. *Annual Review of Psychology*, 55, 591-621. [DOI:10.1146/annurev.psych.55.090902.142015] [PMID]
- Cohen, D. (2015). ISIS' influence on social media. Retrieved from <https://www.youtube.com/watch?reload=9&v=taryy73puISY&list=UL0-9cXqP2wZY&index=257>
- Diyanat, M. (2016). [Studying the formation of psychology of violence in ISIS (Persian)]. *Socio-Cultural Research Journal of Rahbord*, 7(25), 293-310. <http://ensani.ir/fa/article/387651/>
- Eghbal, H. (2018). [Explaining the cognitive origins of terrorism and mental model of ISIS (Persian)]. *Strategic Research of Politics*, 7(24), 245-75. [DOI:10.22054/QPSS.2018.19208.1546]
- Ennaji, M. (2015). From terror to counterterror in North Africa. Retrieved from <https://www.project-syndicate.org/commentary/morocco-fight-islamic-state-recruitment-by-moha-ennaji-2015-10?barrier=accesspaylog>
- Erfanmanesh, I., & Sadeghi Fasaei, S. (2016). [Representation and CDA & Lacanian discourse analysis of Daesh's family pattern in the cyber space (Persian)]. *Journal of Culture-Communication Studies*, 17(35), 33-51. [DOI:10.22083/JCCS.2016.42517]
- Farhangi, A. A., & Abbasi, H. (2018). [Designing a model for confronting media terrorism challenges in social networks (Case study: ISIS in Twitter and Facebook) (Persian)]. *Religion & Communication*, 25(1), 129-56. http://rc.journals.isu.ac.ir/article_2264.html
- Fazeli, N., Soltanifar, M., & Abbasi, H. (2017). [The advantages and functions of social networks for terrorist groups (Case study: ISIS on Twitter and Facebook) (Persian)]. *New Media Studies*, 3(12), 1-30. [DOI:10.22054/CS.2018.17604.138]
- Hatami, M. R. (2014). [Formation of ISIS at the center of globalization (Persian)]. *Research Letter of International*

- al Relations*, 8(30), 147-70. http://prb.iauctb.ac.ir/article_515654.html
- Hawzah.net. (2002). [Conformity and progress (Persian)]. *Hadi the Zendegi*, (7). <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/3881/3895/21478>
- Jetten, J., Hornsey, M. J., & Adarves-Yomo, I. (2006). When group members admit to being conformist: The role of relative intragroup status in conformity self-reports. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 32(2), 162-73. [DOI:10.1177/0146167205279904] [PMID]
- Kallgren, C. A., Reno, R. R., & Cialdini, R. B. (2000). A focus theory of normative conduct: When norms do and do not affect behavior. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 26(8), 1002-12. [DOI:10.1177/01461672002610009]
- Karimi, Y. (2014). [*Social psychology* (Persian)]. 19th Ed. Tehran: Payame Noor University.
- Kfir, I. (2015). Social identity group and human (in) security: The case of Islamic State in Iraq and the Levant (ISIL). *Studies in Conflict & Terrorism*, 38(4), 233-52 [DOI:10.1080/1057610X.2014.997510]
- Khaledi, S. (2014). [Conformity (Persian)]. Retrieved from http://pajoohe.ir/%D9%87%D9%85%D9%86%D9%88%D8%A7%D-B%8C%DB%8C-Conformity_a-31832.aspx
- Khorramshad, M. B., & Ashna, Gh. (2018). [Studying Internal and External Factors of Newfound Phenomenon of ISIL (From 2010 to 2017) (Persian)]. *Journal of Culture - Communication Studies*, 19(43), 61-82. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=478350>
- Khoshkalam, N. (2018). [Qualitative study of couples' understanding of the effect of Telegram social network on emotional relationships (Case study: Couples 15-40 years of Boroujerd city) (Persian)] [MA. thesis]. Borujerd: Aytollah Ozma Borujerdi University.
- Koohkan A. R., & Bagheri, S. (2015). ISIS terrorist group in Central Asia: Contexts of rising. *Quarterly Journal of Political Research in Islamic World*, 5(3), 185-207. <http://prjw.ir/article-1-359-fa.html>
- Lotfi, H. (1993). [Investigating the relationship between the source of control and social support with social cohesion (Persian)] [MA. thesis]. Tehran: Allameh Tabataba'i University. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#!/articles/Saeb-525328393bf4b8afcb5ed0e4a9>
- Malek Seidabadi, M. (2014). Explaining Salafism and its impact on Iranian Sunnis (Case study in Razavi -North-South Khorasan Province) (Persian)] [MA. thesis]. Tehran: Islamic Azad University Central Tehran Branch. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#!/articles/ca8de616d-99320373869d9d6625b58b3>
- Memory, A. (2014). Nostalgia of the Islamic caliphate in the Sunni world, (Persian)]. Retrieved from https://www.bbc.com/persian/blogs/2014/06/140621_144_nazeran_sunnis_caliphate_revival
- Mohrekesh, A. (2017). [Fundamentals of legitimizing violence in the intellectual-political system of ISIS (Persian)] [MA. thesis]. Tehran: Tarbiat Modares University. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#!/articles/0e1bf07a76602308fce-98c421a240904>
- Mousavi, S. A. (2018). [Theoretical foundations of extremism, Takfir and religious violence in the Islamic world (with emphasis on jihadist Salafism) (Persian)]. [PhD. dissertation]. Qom: University of Religions and Denominations. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#!/articles/fda0d9ee520ba13de0511b9966f161f83>
- Nassaj, H., Nazari, M., & Pourranjbar, M. (2015). [Identifying and financing ISIS (Persian)]. *Hablolmatin*, 4(11), 37-55. http://hablolmatin.dmsonnat.ir/?_action=articleInnfo&article=1262
- Navashki, H., & Ahmadian, Gh. (2016). [Factors of ISIL's rise to power in Iraq (Persian)]. *Political Science*, 18(72), 43-67. http://psq.bou.ac.ir/article_20979.html
- Nazari, A. A., & Asamiri, A. (2015). [Reviewing the characteristics of Islamic government in Iraq and Sham -Daesh: Realizing the intellectual, political and social grounds (Persian)]. *Political Science*, 17(68), 75-108. http://psq.bou.ac.ir/article_14203.html
- O' Sullivan, T., Saunders, D., Hartley, J., & Fisk, J. (2006). *Key concepts in communication* [M. H. Raeiszadeh, Persian Trans]. Tehran: Fasle Noo. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/802685>
- Rezaei, R., & Moosavi, S. S. (2018). [The emergence of Daesh and its impact on regional equations: A case study of challenges and opportunities for Iran (Persian)]. *Quarterly Journal of Islamic World Studies*, 5(11), 149-74. [DOI:10.22070/IWS.2018.2524.1453]

Reysen, M. (2005). The effects of conformity on recognition judgements. *Memory*, 13(1), 87-94. [DOI:10.1080/09658210344000602] [PMID]

Salamat.ir. (2017). [Psychology of ISIS and ISISs (Persian)]. Retrieved from <https://hawzah.net/fa/Article/View/95305/>

Sloan, P. A., Berman, M. E., Zeigler-Hill, V., & Bullock, J. S. (2009). Group influences on self-aggression: Conformity and dissenter effects. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 28(5), 535-53. [DOI:10.1521/jscp.2009.28.5.535]

Takano, Y., & Sogon, Sh. (2008). Are Japanese more collectivistic than Americans? Examining conformity in in-groups and the reference-group effect. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 39(3), 237-50. [DOI:10.1177/0022022107313902]

Tierney, A. M. (2017). Understanding Daesh a semantic network analysis of Daesh propaganda [MA. thesis]. Medford, MA: The Fletcher School-Tufts University. https://sites.tufts.edu/hitachi/files/2017/10/Alysha_Tierney_Capstone.pdf

The Secretariat of the World Congress against Extremism and Takfiri Movements. (2016). [World congress of extremist and Takfiri currents from the perspective of Islamic scholars (Persian)]. Retrieved from <https://makhater-ltakfir.com/fa/ejlasha/View/1069/>

Welch, M. R., Tittle, C. R., Yonkoski, J., Meidinger, N., Grasmick, H. G. (2008). Social integration, self-control, and conformity. *Journal of Quantitative Criminology*, 24, 73-92. [DOI:10.1007/s10940-007-9039-x]

Wright, D. B., Self, G., & Justice, C. (2000). Memory conformity: Exploring misinformation effects when presented by another person. *British Journal of Psychology*, 91(2), 189-202. [DOI:10.1348/000712600161781] [PMID]

Zamani, R., Afzali Rad, V., & Emami Langroudi, M. (1991). [A replication of Asch's basic conformity study using Iranian University students as subjects (Persian)]. *Psychological Research*, 1(1-2), 36-60. <https://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=127545>

Zgryzewicz, R. (2016). Daesh strategic communications. In A. Kudors, A. Pabriks, (Eds.), *The war in Syria: Lessons for the West* (pp. 89-107). Riga: University of Latvia Press.